ارمغان بزرگ
برای
حافظان قرآن

تالیف : مولانا رحیم بخش پانی پتی

ترجمه : عبدالقادر دهقان

ملک را می نهد خطش چو طفلان لوح در دامن
الا ای حـافظ قـرآن ایـن هـفت آیت ازبـرکن
(سنایی)

ارمغان بزرگ

برای حافظان قرآن

اثر

قاری رحیم بخش پانی پتی

ترجمه

ابو شعیب عبدالقادر دهقان
(سراوان)

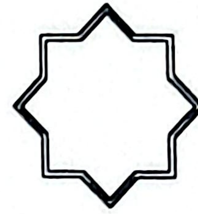
پانی‌پتی، رحیم بخش
ارمغان بزرگ برای حافظان قرآن / اثر رحیم بخش پانی پتی؛ ترجمه ابوشعیب عبدالقادر دهقان (سراوان). - زاهدان: صدیقی، ۱۳۸۲.
۶۴ ص.
ISBN 964-5728-38-x
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. قرآن - متشابهات و محکمات. الف. دهقان، عبدالقادر، ۱۳۴۱ -، مترجم. ب. عنوان.
۴الف۲پ/BP۸۵/۱ ۲۹۷/۱۵۵
۱۳۸۲
کتابخانه ملی ایران ۸۹۲۰-۸۲م



مرکز پخش: زاهدان - خیابان خیام - انتشارات صدیقی - تلفن ۲۴۴۵۸۴۰(۰۵۴۱)

ارمغان بزرگ برای حافظان قرآن
مؤلف: قاری رحیم بخش پانی پتی
مترجم: ابوشعیب عبدالقادر دهقان
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
قطع: رقعی
نوبت چاپ: زمستان - ۱۳۸۲
چاپخانه: پیک فرهنگ
قیمت: 2000
ISBN: 964-5728-38-x ۹۶۴-۵

دفتر تهران: خیابان انقلاب - خیابان فخررازی - خیابان شهید وحید نظری - ساختمان پیک فرهنگ - شماره ۱۹۲ - طبقه سوم - تلفن ۶۴۱۰۰۲۰ داخلی ۷۵



اهداءِ :

ـ به رهروان راه قرآن و حافظان اهداف عالی آن
ـ به آنکه مرا درس قرآن و عشق به الله آموخت

(مترجم)

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار مترجم

ابـتدا کـردم بـه نـام کـردگار نیست غیر از تو،تویی پروردگار

قرآن یگانه کتاب جاودان آسمانی و مشعل فروزان هدایت و برنامهٔ زندگی بشر است که تا ابد هدایت و رشد ملّتها را به عهده داشته و در تاریکیهای جهل و گمراهی، درخشان خواهد ماند، رسول گرامی اسلامﷺ می فرماید: «هنگامی که فتنه ها همچون پاره های شب تاریک، شما را فرا گرفت، برشماست که ملازم قرآن باشید» حضرت علیؓ می فرمایند: قرآن پند آموز خالصی است که خیانت نمی کند وراهنمایی است که گمراه نمی کند و سخن گویی است که دروغ نمی گوید.

حضرت عمر فاروقؓ از رسول اکرمﷺ نقل می کند که آنحضرت فرمودند: خداوند به وسیلهٔ قرآن، ملتهایی را عزت و سربلندی عنایت می کند و ملتهایی را پست و ذلیل می گرداند، یعنی کسانیکه به دامان قرآن چنگ زنند و آنرا رهنما و چراغ فرا راه خود قرار دهند، به مقامی شامخ و شرفی بزرگ دست می یابند و آنانکه از قرآن روی می گردانند، به تاریکیهای ضلالت گرفتار خواهند شد.

از جمله ویژگیهایی که خداوند به این کتاب پر برکت عنایت فرموده این است که این کلام با عظمت، که خداوند می فرماید: «آسمانها،زمینها وکوهها تاب تحمّل آنرا نداشتند» در دل انسان و در سینهٔ اطفال خردسال جای می گیرد، به گفتهٔ دکتر محمد اقبال، شاعر معروف اسلامی:

آنکه دوش کوه بارش بر نتافت سطوت او زهرهٔ گردون شکافت
بنگر آن سرمایه آمال ما گنجد اندر سینه اطفال ما

همانگونه که حفظ معانی قرآن و عمل بر احکام آن، موجب نجات ورستگاری است، حفظ الفاظ قرآن نیز مایهٔ سعادت دنیا و آخرت است،

گروهی از دانشمندان مسایل فقهی قرآن را استنباط کرده اند و گروهی دیگر مسایل اخلاقی،اجتماعی و فلسفی آن را و گروهی علوم فلکی، طبیعی و بیولوژی را مورد بررسی قرار داده اند و عدّه‌ای آثار ادبی آنرا حفاظت کرده و گروهی حفظ الفاظ قرآن را به عهده گرفته و این کلام لطیف را در سینه های خود جای داده اند.

رسول اکرم ﷺ در موارد متعددی به حفظ الفاظ قرآن تشویق و تأکید فرموده اند. حضرت عبدالّله بن عمر رضی الله عنه نقل می کند که آنحضرت ﷺ فرمودند: روز قیامت، به قاری قرآن گفته می شود قرآن را با ترتیل (آرام وباتأنّی) همانگونه که در دنیا می خواندی، بخوان و بر طبقه های بهشت بالا برو، هرکجا آیات قرآن به پایان رسید، جایگاهت همانجاست، در جایی دیگر می فرمایند: اشراف امّت من و خاصان بارگاه خدا، حاملان قرآن هستند. امام صادق رحمه الله می‌فرماید: آنکه در باب قرآن بکوشد وباکمی حافظه آنرا به زحمت حفظ کند، دوگونه پاداش خواهد داشت. حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها از نبی‌اکرم ﷺ نقل می‌نماید که آنحضرت فرمود: آنکه قرآن را فرا می گیرد و حفظ می نماید، خداوند او را در بهشت برین جای می دهد و در حق ده تن از بستگانش که همه مستحق دوزخند، اجازه شفاعت می دهد.

در روایتی دیگر آمده که آنحضرت فرمودند: روز قیامت، پدر و مادری که فرزندشان قرآن را حفظ کرده است، تاج نورانی پوشانده می شوند؛ زهی سعادت مرکسانی راکه به نعمت حفظ قرآن مفتخرگشته و می گردند.

مجموعه ای که پیش روی **دارید** خدمتی است کوچک در راه حفظ قرآن که به حافظان و رهروان راه قرآن، تقدیم می گردد، از آنجا که بعضی از آیات قرآن در سُوَر مختلف بنابر مصالح خاصّی تکرار شده است، این امر موجب می شود که ذهن قاری از یک سوره به سوره ای دیگر، یا از یک آیه به آیهٔ دیگر منتقل شود، لذا به منظور سهولت وپیشگیری از چنین اشتباهات، خادم قرآن، قاری رحیم بخش پانی پاتی،

استاد قرائت در مدرسهٔ خیرالمدارس ملتان، پاکستان آیات مشابه را جمع آوری و دسته بندی کرده و برای هر دسته علایم خاصّی و ضع نموده است، اگر حافظان قرآن، هنگام تلاوت به این نکات توجّه کنند، تا حد زیادی در رفع اینگونه اشتباه‌ها موفّق خواهند شد.

بعضی از آیه‌ها که در این مجموعه جزو متشابهات به شمار رفته وبرای آنها علائمی اختصاص یافته است، شاید برای آن دسته از حفاظ که به زبان عربی آشنایی دارند، چندان حایز اهمیّت نباشد، امّا چون اکثر حافظان در این دیار (به ویژه خردسالان) قبل از آشنایی با زبان عربی، در میدان حفظ قرآن قدم می گذارند، مؤلف گرانمایه از آوردن اینگونه موارد شبهه نیز طفره نرفته است، گفتنی است که مؤلف، آیه‌های متشابه را فقط با ذکر شماره «رکوع»[1] نشاندهی کرده است و من نیز از وی تبعیّت نموده بودم، ولی چون بعضیها با رکوع ممارست ندارند، عدّه‌ای از برادران، بویژه دوستان حافظم پیشنهاد کردند که شماره آیات را نیز استخراج کنم تا نفع رساله عام گردد و برای همه قابل استفاده باشد.

لذا بنده این زحمت را تقبل نمودم و درکنار شماره رکوع، شمارهٔ آیه ها را نیز درج نموده ام و این کار به ارزش معنوی کتاب افزوده است، بنابراین جهت راهنمایی خوانندگان گرامی باید خاطر نشان سازم که عدد اول داخل پرانتز، شماره رکوع و عدد دوم شماره آیه است که با یک ممیز از هم جدا شده اند، بطور مثال می خوانید: سورهٔ بقره (۲۳/۵) یعنی

---

۱ در قرآنهای چاپ هند و پاکستان، فواصلی تحت عنوان رکوع و جود دارد که با علامت اختصاری «ع» نشاندهی شده اند، در کشورهای اسلامی، مرسوم است که حافظان قرآن، در ماه رمضان مبارک، حداقل یکبار تمام قرآن را در نماز شب (تراویح) با جماعت ختم می کنند، علماء به منظور سهولت، سی جزء قرآن را به پانصد و چهل رکوع تقسیم کرده اند تا بدینوسیله ختم قرآن در شب بیست و هفتم (شب قدر) صورت گیرد، علّت این نامگذاری، این است که قاری بعد از تلاوت این مقدار، به رکوع می‌رود (علوم القرآن، علامه محقق محمد تقی عثمانی ـ مترجم).

رکوع پنجم، آیه بیست و سوم سوره بقره.

در پایان به امید آنکه حافظان و استفاده کنندگان از این مجموعه‌ی گرانبها، مارا در دعاهای خویش یاد کنند، از خداوند می خواهم که ترجمه را مانند اصل آن نافع و به شرف قبول بنوازد.

گر قبول افتد زهی عزّ و شرف

ابوشعیب عبدالقادر دهقان
سراوان ـ بلوچستان

مقدمهٔ مؤلف

ضعفی که امروزه میان مسلمین، نسبت به دین و تعالیم اسلامی مشاهده می شود بر کسی مخفی نیست، بی رغبتی نسبت به حفظ قرآن مجید نیز یکی از حلقه های این زنجیره می باشد، عده ای از بندگان خدا در این میدان و ارد عمل شده اند، امّا از آن جا که این کار خیلی مهم و دشوار است، راه به جائی نبرده اند به نظر من اینکار چنان دشوار است که اگر و عدهٔ خداوند در مورد حفاظت قرآن نبود که «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»[1] شاید جز پیامبر اسلام کسی دیگر به حفظ قرآن موفق نمی شد، لیکن چون خواست خداوند است که عین الفاظ قرآن را محفوظ نگهدارد، می بینیم که اطفال خرد سال هم آنرا بخوبی تلاوت می کنند و از عهده حفظ آن بر می آیند و بدینوسیله خداوند منّان آنرا حفاظت می نماید.

امروزه عموماً تلاش در راه حفظ قرآن روبه سستی گرائیده و گذشته از بی رغبتی، حافظهٔ مردم نیز ضعیف شده‌است بدین ترتیب تحمّل زحمت در راه حفظ قرآن نسبت به گذشتگان تقلیل پیدا کرده است، تا آنجا که جز عدّه ای انگشت شمار نمی توان افرادی یافت که مانند گذشتگان سخت کوش و صبور باشند، و بی تردید هر یک از حافظان قرآن آرزو دارند که قرآن پاک را در سطحی عالی حفظ کنند یا حداقل در سطحی باشند که بتوانند از پیچ و خم مشابهات به آسانی عبور کنند، و اکثر حافظان، آیات مشابه را از غیر مشابه تشخیص نمی دهند و هنگام قرائت به مشکل بر می خو رند، درست همانند مسافر پیاده ای که در بیابان، بر سر چهار راهی قرار دارد و نمی داند که این راهها به کجا منتهی می‌شوند، بویژه هنگامیکه در آنجا کسی و جود نداشته باشد تا از او

---

۱ ماقرآن را نازل کردیم و به‌طور قطع آنرا پاسداری می‌کنیم

سؤال کند، در آن هنگام پریشانی او به حدی می رسد که قابل تصور نیست، یا در همان بیابان تسلیم مرگ می شود، یا اینکه بعد از پیمودن مسافتی طولانی متوجّه خواهد شد، راهی که او در پیش گرفته است مخالف راه مورد نظر اوست، اینک خود تصور فرمائید که چه حالتی به او دست می دهد.

حال حافظان قرآن نیز اینگونه است که عده ای از، مشابهات به تنگ آمده از ادامه حفظ قرآن منصرف می شوند، و بدینوسیله تمام زحمت های آنان به باد فنا می رود و بعضی دیگر پس از پیمودن راه بسیار طولانی متوجّه می شوند که « تفاوت ره از کجاست تا به کجا» تقریباً نود و نه درصد حافظان با این مشکل مواجه هستند که اذهان آنان از یک آیه به آیه ای دیگر یا از یک سوره به سوره ای دیگر منتقل می شود.

این حالات نگران کننده در راه حفظ، پیوسته در نظرم بوده و به فکر چاره ای بودم، به ذهنم رسید اگر آیات مشابه را در یک جاجمع و برای هرآیه علامت خاصی مقرر گردد امید است که حفظ قرآن آسانتر شود و تا حدودی این پریشانی از حفاظ قرآن بر طرف گردد این انگیزه موجب شد تا این نوع آیات را در صفحاتی چند جمع آوری نماییم، باشد که رهگشایی برای حفظ قرآن قرار گیرد. اگر به دقّت بنگریم اغلب آیات قرآن با هم شباهت دارند، اما همهٔ این آیات بدینسان نیستند که حفّاظ را در اشتباه بیفکنند، و ما هم در صدد نیستیم که در این مختصر همه مشابهات را جمع آوری کنیم بلکه کوشیده ایم تا سر حدّ امکان مواردی را که عموماً حافظان در آنها سرگردان می شوند جمع آوری نمائیم. (السعی منا و الاتمام من الله).

بنده در این مختصر مشابهات را به دو بخش تقسیم کرده ام زیرا بعد از تلاش به این نتیجه رسیدم که مشابهات دو گونه اند، اول آیاتیکه می توان برای یادگرفتن آنها علامتی معین کرد، بطور مثال گروهی از مشابهات در یک سوره با زیادتی چند حرف و در سورهٔ دیگر با کمی چند حرف آمده اند،برای اینگونه مشابهات دو نوع علامت در نظر گرفته شده و آنها را در

دو فصل بیان کرده ایم که در سورهٔ بزرگتر به زیادی یک یا چند حرف و در سورهٔ کوچکتر به کمی آن حروف آمده اند، مانند مِنْ دُوْنِهٖ هُوَ الْبَاطِلُ سورهٔ حج (۶۲/۸) وَمِنْ دُوْنِهِ الْبَاطِلُ سورهٔ لقمان (۳۰/۳) در این موارد فقط دانستن این امر کافی است که در سورهٔ بزرگتر، یک کلمه اضافه و در سورهٔ کوچکتر یک کلمه کم است، و در فصل دوم مشابهاتی را جمع آوری نموده ایم که بر عکس صورت اول است، یعنی در سورهٔ کوچک یک کلمه اضافه و در سورهٔ بزرگتر یک کلمه کم است مانند :«وَلَاحَرَّمْنَامِنْ دُوْنِهٖمِنْ شَيْءٍ» سورهٔ نحل (۳۵/۵) «وَلَاحَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ» سورهٔ انعام (۱۴۹/۱۸) همچنین علامات دیگری نیز وجود دارد که در محل خود ذکر می شوند. دوم مشابهاتی هستند که نمی توان آنها را به وسیلهٔ علامت خاصی علامتگذاری کرد. لذا آنها را به ترتیب سوره ها بیان کرده ایم. به طور مثال اول مشابهات سورهٔ بقره و بعد به ترتیب مشابهات سوره های دیگر را جمع نموده ایم، و اگر آیه مشابه در یک رکوع برای اولین بار آمده، آنجا نوشته شده و آیه های همانند آنرا نیز با ذکر مشخصات بیان کرده ایم خلاصه اینکه این دسته از متشابهات که دارای علامت هستند در بخش اول،آیه‌های مشابهی که علامتی ندارند در بخش دوم بیان می شوند.

بخش اول

بخش اول، شامل مشابهاتی است که برای فراگرفتن آنها علاماتی وضع شده و دارای پنج فصل است.

فصل اول

در این فصل مشابهاتی رایاد آور می شویم که در سورهٔ بزرگتر بازیادتی یک کلمه یا یک حرف و در سورهٔ کوچک تر با کمی آن کلمه یا حرف آمده‌اند، در هر شماره، نخست آیه‌ای که دارای کلمهٔ اضافی است

ذکر می شود و بعد آیه ای که آن کلمه را ندارد ذکر می شود، به خاطر بسپارید که آیهٔ دارای حرف اضافی در سورهٔ بزرگتر است، و آیهٔ دیگر در سورهٔ کوچکتر است، و سوره های کوچک و بزرگ را اکثراً خود حافظان از هم تشخیص می دهند، بنا براین لزومی ندارد که، هر سوره را مشخص کنیم که بزرگتر است یا کوچکتر اینک آیات مشابه به ترتیبی که گفتم فهرست و ار از نظر تان می گذرد:

(۱) وَقُلْنَا يَآدَمُ اسْكُنْ بقره (۳۵/۴) و يَآدَمُ اسْكُنْ اعراف (۱۹/۲) می بینیم که در سوره بقره که از اعراف بزرگتر است کلمهٔ «قُلْنَا» اضافه است .وهمچنین در همین سوره وَكُلَا مِنْهَا رَغَداً حَيْثُ بقره «۳۵/۴» ودر سورهٔ اعراف رکوع دوم آیهٔ ۱۹ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ آمده است، یعنی کلمهٔ «مِنْهَا» در سورهٔ کوچکتر و جود ندارد.

(۲) وَيَقْتُلُوْنَ النَّبِيّنَ بِغَيْرِالْحَقِّ بقره (۶۱/۷) وَيَقْتُلُوْنَ الْاَنْبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ آل عمران (۱۱۲/۱۲) در سورهٔ اول کلمهٔ (حق) الف و لام دارد و در سورهٔ دوم، یعنی آل عمران الف و لام ندارد [1] وعلاوه بر این دو مورد جاهای دیگر نیز بِغَيْرِالْحَقِّ وَبِغَيْرِ حَقٍّ آمده است اما چون در آنجا حفاظ دچار اشتباه نمی شونداز ذکر آنها خودداری نمودیم.

(۳) اَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ سوره بقره (۸۷/۱۱) وَكُلَّمَاجَاءَهُمْ مائده (۷۰/۱۰).

این دو مورد را به دقت بنگرید، سه فرق دیگر در این دو آیه و جود دارد آنها را بخوبی به ذهن بسپارید.

(۴) وَعِيْسٰى وَ مآ اُوْتِيَ النَّبِيُّوْنَ سوره بقره (۱۳۶/۱۶) وَعِيْسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ آل عمران (۸۴/۹) و نیز در ابتدا و وسط این دو آیه فرقهای زیر و جود دارد: قُوْلُوْا و قُلْ ـ اِلَيْنَاو ـ عَلَيْنَا، اِلٰى و ـ عَلٰى ـ بدقت بنگرید.

(۵) وَلَنَآ اَعْمَالُنَا سوره بقره (۱۳۹/۱۶) لَنَآ اَعْمَالُنَا قصص (۵۵/۶) شوری (۱۵/۲).

(۶) (فَلَاتَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ) بقره (۱۴۷/۱۷) و (فَلَاتَكُنْ مِّنَ الْمُمْتَرِيْن) آل

---

۱ همچنین، در سوره بقره کلمهٔ «نبيّين» و در سوره آل عمران «الانبياء» آمده است. (مترجم).

عمران (۶۰/۶) این کلمه در سوره انعام (۱۱۵/۱۴) ویونس (۹۴/۱۰) نیز آمده است و لی محل اشتباه نیست.

(۷) (وَاِلٰهُكُمْ) سوره بقره (۱۶۳/۹) - (اِلٰهُكُمْ) نحل (۲۲/۳) (و در سوره حج (۳۴/۵) فَاِلٰهُكُمْ است.

(۸) اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِیْنَ هَاجَرُوْا سوره بقره (۲۱۸/۲۷) و (اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا) (انفال ۷۲/۱۰) و (وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا) انفال (۷۴/۱۰) و (اَلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا) توبه (۲۰/۳) - یعنی بعد از آمَنُوا فقط در سورهٔ بقره (۲۱۸/۲۷) کلمهٔ «وَالَّذِیْنَ» اضافه است. اگر در این آیات بدقّت بنگریم معلوم می شود که در سورهٔ بقره رکوع ۲۷، توبه رکوع ۳، و دومین موضع انفال رکوع ۱۰ بعد از لفظ «جَاهَدُوا» کلمهٔ فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ هم هست و در اولین موضع سورهٔ انفال چنین است: وَجَاهَدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ، این فرق را در اینجا به این خاطر یاد آور شدیم تا موجه شوید که کلیه فرقهایی که در هر یک از آیات متشابه و جود دارد همگی بیان نشده است بلکه ما فقط به یک نمونهٔ آن اشاره کرده بقیه را به عهدهٔ شما گذاشته ایم چون این مختصر گنجایش شرح و بسط کافی را ندارد.

(۹) یُوْعَظُ بِهٖ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ یُؤْمِنُ سوره بقره (۲۳۲/۳۰) و یُوعَظُ بِهٖ مَنْ كَانَ یُؤْمِنُ طلاق (۲/۱) و در ابتدای جمله در سورهٔ بقره «ذٰلِكَ» و در طلاق «ذٰلِكُمْ» است.

(۱۰) وَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ سوره بقره (۲۵۲/۳۳) - اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ یٰس (۳/۱).

(۱۱) رَبَّنَآ اِنَّنَآ اٰمَنَّا آل عمران (۱۶/۲) - رَبَّنَآ اٰمَنَّا مؤمنون (۱۰۹/۶) چونکه بعد از هر دو آیه لفظ فَاغْفِرْ لَنَا می آید انسان در اشتباه می افتد.

(۱۲) مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُوْنَ آل عمران (۲۳/۳) و (مِنْهُمْ مُعْرِضُوْنَ) نور (۴۸/۶).

(۱۳) اِلَّا بُشْرٰی لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوْبُكُمْ بِهٖ سوره آل عمران (۱۲۶/۱۳) و اِلَّا بُشْرٰی وَلِتَطْمَئِنَّ بِهٖ قُلُوْبُكُمْ انفال (۱۰/۱).

ودر این محل بعد از هر دو آیه فرقهای دیگری نیز و جود دارد که

تخریج آنها به خود شما واگذار می شود.

(۱۴) فِیْ حَدِیْثٍ غَیْرِہٖ«ج» اِنَّکُمْ اِذاً مِّثْلُھُمْ سورۂ نسآء (۱۴۰/۲۰) و (فِی حَدِیْثٍ غَیْرِہٖ«ط» وَاَمَّا) انعام (۶۸/۸) اینجا بعلّت وقف اشتباه می شود.

(۱۵) لِقَوْمِہٖ یٰقَوْمِ اذْکُرُوْا مائده (۲۰/۴) و لِقَوْمِہِ اذْکُرُوا) ابراهیم (۶/۱).

(۱۶) وَذٰلِکَ جَزَآءُ الْمُحْسِنِیْن سورۂ مائده (۸۵/۱۱) و در زمر (۳۴/۴) (ذٰلِکَ) بدون واو آمده است.

(۱۷) وَاَطِیْعُوااللّٰہَ وَاَطِیْعُواالرَّسُوْلَ وَاحْذَرُوْا○ فَاِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوْآ اَنَّمَا مائده (۹۲/۱۲) و اَطِیْعُوا اللّٰہَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ ○ فَاِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَاِنَّمَا) تغابن (۱۲/۲).

(۱۸) (قَالَ اَلَیْسَ ھٰذَا) سوره انعام (۳۰/۳) و (اَلَیْسَ ھٰذَا) احقاف (۳۴/۴)

(۱۹) وَلَآ اَقُوْلُ لَکُمْ اِنِّی) سوره انعام (۵۰/۵) (وَلَآ اَقُوْلُ اِنِّی) سوره هود (۳۱/۳) و ابتدای آیه در سوره انعام چنین است، (قُلْ لَآ اَقُوْلُ) و در سوره هود لفظ «قُل» نیست.

(۲۰) وَوَھَبْنَا لَہٗ اَسْحٰقَ سوره انعام (۸۴/۱۰) وانبیآء (۷۲/۵) وعنکبوت (۲۷/۳) (وَھَبْنَالَہٗ اِسْحٰقَ) مریم (۴۹/۱۰) (در سوره مریم که از هر سه کوچکتر است (واو) وجود ندارد.

(۲۱) مَنْ یَّشَآءُ مِنْ عِبَادِہٖ سوره انعام (۸۸/۱۰) و (مَنْ یَّشَآءُ) زمر (۲۳/۳) در سوره دوم لفظ «مِنْ عِبَادِہٖ» نیست و ابتدای جمله در هر دو مورد یکسان است.

(۲۲) وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰی کَمَا سوره انعام (۹۴/۱۱)(لَقَد جِئْتُمُوْنَا کَمَا)کهف (۴۸/۶).

(۲۳) خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ فَاعْبُدُوْہ سوره انعام (۱۰۲/۱۳) و (خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ)مؤمن (۶۲/۷).

(۲۴) مِنْ رَّبِّکَ بِالْحَقِّ فَلَا تَکُوْنَنَّ سوره انعام (۱۱۴/۱۴) (و) مِنْ رَّبِّکَ فَلَاتَکُوْنَنَّ یونس (۹۴/۱۰).

(۲۵) کَذٰلِکَ یَجْعَلُ اللّٰہُ الرِّجْسَ سوره انعام (۱۲۶/۱۵) (و) یَجْعَلُ الرِّجْسَ یونس (۱۰۰/۱۰) فرقهای دیگر که در این مورد وجود دارد بخاطر بسپارید.

(۲۶) عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُسوره اعراف (۳/۳۰) (و) عَلَيْهِ الضَّلٰلَةُ نحل (۵/۳۶).

(۲۷) مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُوْنَهَا ـ اعراف (۱۱/۸۶) و ـ مَنْ اٰمَنَ تَبْغُوْنَهَا آل عمران (۱۰/۹۹).

(۲۸) قَالَ اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَاْتِ بِهَااعراف (۱۳/۱۰۶) (قَالَ فَاْتِ بِهٖ)شعرا (۲/۳۱) (در سورهٔ شعراء (۸/۱۵۴) نیز «فَاْتِ بِآيَةٍ»آمده که محل اشتباه نمی باشد).

(۲۹) عَنْهُمُ الرِّجْزَ اِلٰى اَجَلٍ هُمْ بٰلِغُوْهُ اِذَا هُمْ سوره اعراف (۱۶/۱۳۵) (و) ـ عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِذَا هُمْ زخرف (۵/۵۰).

(۳۰) اِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيْعُ الْعِقَابِ سوره اعراف (۲۱/۱۶۷) ـ و ـ اِنَّ رَبَّكَ سَرِيْعُ الْعِقَابِ انعام (۲۰/۱۶۵).

(۳۱) وَاِنْ تَدْعُوْهُمْ اِلَى الْهُدٰى اعراف (۲۴/۱۹۳) دوبار آمده است و اِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى كهف (۸/۵۷).

(۳۲) وَمَنْ يُّشَاقِقِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ اللّٰهَ سوره انفال (۲/۱۳) وَمَنْ يُّشَاقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ ـ حشر (۱/۴).

(۳۳) وَقَالَ اِنِّىْ بَرِیْٓءٌ مِّنْكُمْ سوره انفال (۶/۴۸) قَالَ اِنِّىْ بَرِیْٓءٌ مِّنْكَ حشر (۲/۱۶) و بقیه فرقهای دو آیه را هم در نظر داشته باشید.

(۳۴) وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاُولٰٓئِكَ سوره توبه (۳/۲۳) وَ مَنْ يَّتَوَلَّهُمْ فَاُولٰٓئِكَ ممتحنه (۲/۹) و در سورهٔمائده (۸/۵۱) نیز همین جمله با اندکی تفاوت آمده است.

(۳۵) مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ تاآخر آیه سوره توبه (۹/۷۲) و سورهٔ صف (۲/۱۲) تفاوت هر دو را کاملاً بررسی کنید، در اولی چند لفظ وجود دارد که در دوم نیست.

(۳۶) فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ سوره یونس (۴/۳۱) قُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ مؤمنون (۵/۸۷).

(۳۷) سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ سوره یونس (۵/۴۵) سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ احقاف (۴/۳۵).

(۳۸) فَاِلَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكُمْ فَاعْلَمُوْآ اَنَّمَا سوره هود (۲/۱۴) فَاِنْ لَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكَ

فَاعْلَمْ أَنَّمَا قصص (۵/۵۰).

(۳۹) الحَمِيْدِ ۝ اللهِ الَّذِی سوره ابراهیم (۱/۱) و ـ الحَمِيدِ ۝ الَّذِی بروج (۸/۱).

(۴۰) وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ تا آخر آیه سوره حجر (۱۱/۱) مَا يَأْتِيهِمْ ـ يٰسٓ (۳۰/۲) دنبالهٔ آیه درهردوجایکسان‌است، سوره‌حجرشش رکوع، ویٰسٓ پنج رکوع دارد.

(۴۱) وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ سورهٔ حجر (۲۸/۳) (إِذْ قَالَ رَبُّكَ) ص (۷۱/۵) ـ وفرقهای دیگر این دو آیه را نیز فراموش نکنید. سورهٔ حجر۶و قصص ۵ رکوع است.

(۴۲) فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ سوره نحل (۲۹/۴) فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ زمر (۷۲/۸) ومؤمن (۷۶/۸).

(۴۳) وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُونَ نحل (۷۲/۱۰) وَ بِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَكْفُرُونَ عنکبوت (۶۷/۷).

(۴۴) عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ سوره نحل (۹۰/۱۳) عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ عنکبوت (۴۵/۵) و در سوره نور (۲۱/۳) نیز بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ آمده است لیکن آنجا اشتباه نمی شود.

(۴۵) وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ سوره اسراء (۱۷/۲) وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ. فرقان (۵۸/۵).

(۴۶) حَتَّى إِذَا رَأَوْا سورهٔ مریم (۷۵/۵) و جن (۲۴/۲) و در سورهٔ اول (مریم) چهار کلمه اضافی وجود دارد که در سورهٔ دومی (جن) وجود ندارند.

(۴۷) (وَهَلْ أَتَاكَ) سورهٔ طه (۹/۱) ـ (هَلْ أَتَاكَ) نازعات (۱۵/۱) و در سورهٔ ص (۲۱/۲) نیز با همراه (واو) آمده است و در ذاریٰت (۲۴/۲) وبروج (۱۷/۱) و غاشیه (۱/۱) بدون (واو) آمده است اما جزو مشابهات نیستند.

(۴۸) وَلَا تَمُدَّنَّ سورهٔ طه (۱۳۱/۸) لَا تَمُدَّنَّ حجر (۸۸/۶).

(۴۹) إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى سورهٔ انبیاء (۲۸/۲) إِلَّا مَنِ ارْتَضَى جن (۲۷/۲).

(۵۰) رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَاوذِكْرٰى انبياء (۸۴/۶) رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرىٰ ـ ص (۴۳/۴).

(۵۱) اَقَرِيْبٌ اَمْ بَعِيْدٌ مَا تُوعَدُوْن ـ انبياء (۱۰۹/۷) نيز اَقَرِيْبٌ مَا تُوْعَدُوْنَ جن (۲۵/۲) (تفاوتی که در ابتدای دو آیه و جود دارد از یادتان نرود.

(۵۲) مِنْ دُوْنِهٖ هُوَالبَاطِل حج (۶۲/۸) مِنْ دُوْنِهِ البَاطِلُ لقمن (۳۰/۳).

(۵۳) عَلٰى صَلٰوٰتِهِمْ سوره مؤمنون (۹/۱) عَلٰى صَلاٰ تِهِمْ معارج (۲۳/۱).

(۵۴) قَالَ رَبِّ اِنِّى اَخَافُ اَن يُكَذِّبُوْنِ سوره شعراء (۱۲/۲) ودر سوره قصص (۳۴/۴) ـاِنِّى اَخَافُ...بدون «قَالَ رَبِّ »آمده ـ (شعراء ۱۱ رکوع وقصص ۹ رکوع دارد.

(۵۵) لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُوْمِنِيْن سوره شعراء (۲۱۵/۱۱) و...لِلْمُؤْمِنِينَ حجر (۸۸/۶).

(۵۶) وَ اَنْ اَلْقِ عَصَاكَ سپس به دنبالش در همین آیه يٰمُوْسىٰ اَقْبِلْ وَلاَ تَخَفْ قصص (۳۱//۴) وَاَلْقِ عَصَاكَ وبعد در همین آیه می خوانیم يٰمُوسىٰ لاَ تَخَفْ (نمل (۱۰//۱) قصص دارای ۹ آیه و نمل دارای ۷ آیه است).

(۵۷) الحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ زِيْنَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ قصص (۶۰/۶) اَلحَيٰوةِ الدُّنيا وَمَا عِنْدَاللّٰهِ سوره شوری (۳۶/۴) و در ابتدای آیه در سورۀ قصص «وَمَا»در سورۀ شوری «فَمَا» است.

(۵۸) عَلٰى عِلْمٍ عِنْدِى سورۀ قصص (۷۸/۸) عَلٰى عِلْمٍ زمر (۴۹/۵) (قصص دارای ۹ رکوع و زمر دارای ۸ رکوع است).

(۵۹) فِى الاَرْضِ وَلاَ فِى السَّمَآءِ وَمَا لَكُم سورۀ عنکبوت (۲۲/۲) ـ فِى الاَرْضِ وَمَا لَكُمْ ـ شوری (۳۱/۴).

(۶۰) وَلَقَدْ تَرَكْنا مِنْهَا آيَةً سوره عنکبوت (۳۵/۴) و ـ لَقَدْ تَّرَكْنٰهاآيَةً ـ قمر (۱۵/۱).

(۶۱) بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ سوره روم (۸/۱) و ـ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُوْنَ ـ الم سجده (۱۰/۱).

(۶۲) فَرِحُوابِهَا سورۀ روم (۳۶/۴) و ـ فَرِحَ بِهَا ـ شوری (۴۸/۵) (روم دارای ۶وشوری دارای ۵ رکوع می باشد.

(۶۳) فَاَحْبَطَ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ ـ سورۀ احزاب (۱۹/۲) ـ فَاَحْبَطَ اَعْمَالَهُمْ ـ محمد

(۹/۱) و (۲۸/۳).

(۶۴) لَمَّا جَآءَهُمْ إِنْ هٰذآ اِلاَّ سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ـ سورهٔ سبا (۴۳/۵) لَمَّا جَآءَهُمْ هٰذا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ـ احقاف (۷/۱).

(۶۵) وَ سَوَآءٌ يس (۱۰/۱) (سَوَآءٌ) منافقون (۶/۱) و همچنین آیهٔ دهم سورهٔ یس با آیه ششم سورهٔ بقره مشابه است.

(۶۶) إِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ ـ سورهٔ صافّات (۳۴/۲) ـ كَذٰلِكَ نَفْعَلُ ـ مرسلت (۱۸/۱).

(۶۷) وَلاَ هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُوْن ـ سورهٔ صافّات (۴۷/۲) (عَنْهَا وَلاَ يُنْزِفُوْنَ) ـ واقعه (۱۹/۱).

(۶۸) فَقَالَ اَلاَ تَاكُلُوْ ن ـ سورهٔ صافّات (۹۱/۳) ـ قَالَ اَلاَ تَأْكُلُونَ ـ ذريت (۲۷/۲).

(۶۹) مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْن ۝ اَفَلاَ تَذَكَّرُوْنَ ۝ اَمْ لَكُمْ سورهٔ صافّات (۱۵۴/۵) ـ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْن ۝ اَمْ لَكُمْ ـ قلم (۳۷/۲).

(۷۰) خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ ـ ص (۹/۱) خَزَآئِنُ رَبِّكَ ـ طور (۳۷/۲).

(۷۱) وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ـ سورهٔ مؤمن (۲۱/۳) و ـ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ـ رعد (۳۴/۵).

(۷۲) ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَّاتِيهِمْ ـ مؤمن (۲۲/۳) و ـ ذٰلِكَ بِاَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ ـ تغابن (۶/۱).

(۷۳) بِبَالِغِيْهِ ـ سورهٔ مؤمن (۵۶/۶) نيز ـ بِبَالِغِهِ ـ رعد (۱۴/۲) سورهٔ مؤمن ۹ رکوع و رعد ۶ رکوع دارد.

(۷۴) وَالَّذِيْنَ يَجْتَنِبُونَ ـ سورهٔ شورى (۳۷/۴) و ـ اَلَّذِيْنَ يَجْتَنِبُونَ ـ نجم (۳۲/۲).

(۷۵) إِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ـ سورهٔ شوری (۴۳/۴) و ـ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ـ لقمان (۱۷/۲) ـ (ودر آل عمران (۱۸۶/۱۹) فَإِنَّ ذٰلِكَ مِنْ ...است لیکن محل اشتباه نیست.

(۷۶) إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِق ۝ و إِنَّ الدِّيْنَ لَوَاقِعٌ ۝ سورهٔ ذاريت (۵/۱) و ـ إِنَّما تُوعَدُون لَوَاقِعٌ ـ مرسلات (۷/۱).

(۷۷) وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ـ سورهٔ واقعه (۲۱/۱) ـ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ـ طور (۲۲/۱).

(۷۸) در سورهٔ قلم (۱/۱۴و۱۳) بعد از «مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» چند کلمه اضافی وجود دارد و بعد می خوانیم «إِذَا تُتْلَى» اما در سورهٔ مطففین بعد از «مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» متصلاً «إِذَا تُتْلَى» می آید، بدون کلمات اضافی.

فصل دوّم

در مورد مشابهاتیکه به عکس فصل اول است، یعنی در سورهٔ کوچک با کلمهٔ اضافی و در سورهٔ بزرگ تر بدون آن آمده اند.

لذا در این فصل باید این نکته را خاطر نشان ساخت که آیه ای که حرف اضافی ندارد در سورهٔ بزرگ، و آیه ای که دارای حرف اضافی است در سورهٔ کوچک تر می باشد.

۱ـ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَمَا ـ سورهٔ آل عمران (۱۱۲/۱۲) ـ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ ـ بقره (۶۱/۷) ناگفته پیداست که سورهٔ اول یعنی آل عمران که کوچکتر است ۱۰ تا ۱۱ کلمه بیشتر دارد.

۲ـ در سورهٔ مائده (۴۸/۷) بعد از «فِيمَا آتَاكُمْ» جمله «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» آمده و در سورهٔ انعام (۱۹۶/۲۰) که بزرگتر است این جمله وجود ندارد (وجمله فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا ـ سوره بقره (۱۸۰/۱۸) را نیز از یاد نبرید).

۳ـ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ـ سورهٔ مائده (۶۱/۹) همچنین ـ بِمَا يَكْتُمُونَ ـ آل عمران (۱۶۷/۱۷).

۴ـ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ ـ سورهٔ مائده (۱۱۱/۱۵) نیز بِأَنَّا مُسْلِمُونَ. آل عمران (۵۲/۵) و ـ (۶۴/۷).

۵ـ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ و تَكْتُمُونَ الْحَقَّ سورهٔ آل عمران (۷۱/۷) ـ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ و تَكْتُمُوا الْحَقَّ بقره (۴۲/۵).

۶ـ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ـ سورهٔ انعام (۴۲/۵) و ـ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ـ اعراف (۹۴/۱۲).

۷ـ و یَكُونَ الدِّینُ كُلُّهُ لِلّٰهِ.سورهٔ انفال (۳۹/۵) نیز ـ و یَكُونَ الدِّینُ لِلّٰه بقره (۱۱۶/۲۴).

۸ـ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۝ یُحْیٖ وَیُمِیْتُ وَمَالَكُم ـ توبه (۱۱۶/۱۴) ونیز مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَالَكُم.بقره (۱۰۷/۱۳) فرقهائی که در ابتدای دو آیه است از یادتان نرود.

۹ـ یُفْتَرٰی مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ تَصْدِیْقَ الَّذِیْ.سورهٔ یونس (۳۷/۴) یُفْتَرٰی وَلٰكِنْ تَصْدِیْقَ الَّذِیْ. یوسف (۱۱۱/۱۲) بهتر است فرقهای دیگری راکه در این دو آیه وجود دارد پیداکرده و بیاد داشته باشید یونس ۱۱ رکوع (۱۰۹ آیه) و یوسف ۱۲ رکوع (۱۱۱آیه) است.

۱۰ـ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ.سوره هود (۵۷/۵) ولَا تَضُرُّوْهُ. توبه (۳۹/۶).

۱۱ـ قَالَتْ یٰوَیْلَتٰی ءَ اَلِدُ.سورهٔ هود (۷۲/۷) قَالَ یٰوَیْلَتٰی اَعَجَزْتُ. مائده (۳۱/۵).

۱۲ـ اَوْفُوا الْمِكْیَالَ وَالْمِیْزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا.سوره هود (۸۵/۸) فَاَوْفُوا الْكَیْلَ وَالْمِیْزَانَ وَلَا ـ سورهٔ اعراف (۸۵/۱۱).

۱۳ـ اَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا ـ سورهٔ یوسف (۸۶/۱۰) و (۹۰/۱۱) و اعراف (۶۲/۸) ـ اَعْلَمُ مَالَا ـ بقره (۳۰/۴).

۱۴ـ وَیَقُوْلُ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا لَوْلَا اُنْزِلَ ـ سورهٔ رعد (۷/۱) و (۲۷/۴) وَیَقُوْلُوْنَ لَوْلَا اُنْزِلَ ـ یونس (۱۹/۲).

۱۵ـ وَجَعَلُوْا،لِیُضِلُّوْا،و قُلْ تَمَتَّعُوْا. ابراهیم (۳۰/۵) وَجَعَلَ، لِیُضِلَّ،وـ قُلْ تَمَتَّعْ ـ زمر (۸/۱) (ابراهیم دارای ۷ رکوع (۵۲آیه) وزمر دارای ۸ رکوع (۷۵ آیه) است. (یعنی سورهٔ ابراهیم از سوره زمر کوچکتر است).

۱۶ـ مِنَ الَّیْلِ وَاتَّبِعْ اَدْبَارَهُمْ وَلَا یَلْتَفِتْ.سورهٔ حجر (۶۵/۵) مِنَ الَّیْلِ وَلَا یَلْتَفِتْ.هود (۸۱/۷).

۱۷ـ وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ شَیْءٍ.نحل (۳۵/۵) وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَیْءٍ انعام (۱۵۰/۱۸) (ودر این دو آیه، دو فرق دیگر نیز وجود دارد، بدقت بنگرید.

۱۸ـ بَلْ قَالُوْٓا اَضْغَاثُ اَحْلَامٍ.سورهٔ انبیاء (۵/۱) قَالُوْٓا اَضْغَاثُ اَحْلَامٍ. سوره

یوسف (۴۴/۶).

۱۹ـ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً سورهٔ انبیاء (۷۵/۵) (وَيَعْقُوب) انعام (۸۵/۱۰) بدون لفظ «نافلة» اگر چه در سورهٔ مریم و عنکبوت نیز این جمله آمده اما در آنجا به اشتباه بر نمی خوریم.

۲۰ـ رَسُولاً مِنهُمْ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ ـ سورهٔ مؤمنون (۳۲/۲) رَسُولاً اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ ـ سورهٔ نحل (۳۶/۵).

۲۱ـ مَابِهِمْ مِنْ ضُرٍّ ـ سورهٔ مؤمنون (۷۵/۴) مَابِهِ مِنْ ضُرٍّ ـ سورهٔ انبیاء (۸۴/۶) (مؤمنون دارای (۱۱۸ آیه) و انبیاء دارای (۱۱۲ آیه) است یعنی اول کوچکتر است.

۲۲ـ قَالَتْ رَبِّ اِنِّى ظَلَمْتُ. سورهٔ نمل (۴۴/۳) قَالَ رَبِّ اِنِّى ظَلَمْتُ ـ سورهٔ قصص (۱۶/۲).

۲۳ـ وَلَا تَكُنْ فِىْ ضَيْقٍ ـ سورهٔ نمل (۷۰/۶) وَلَا تَکُ فِى ضَيْقٍ ـ نحل (۱۲۷/۱۶).

۲۴ـ اَشُدَّهُ وَاسْتَوىٰ اٰتَيْنٰهُ ـ سورهٔ قصص (۱۴/۲) اَشُدَّهُ اٰتَيْنٰهُ ـ سورهٔ یوسف (۲۲/۳).

۲۵ـ وَلَمَّآ اَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا ـ سورهٔ عنکبوت (۳۳/۴) وَلَمَّآ جَاءَتْ رُسُلُنَا ـ هود (۷۷/۷).

۲۶ـ وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْباً فَقَالَ ـ سورهٔ عنکبوت (۳۶/۴) و نیز در سورهٔ اعراف (۸۵/۱۱) و هود (۸۴/۸) (شُعَيْباً قَالَ) بدون فاء آمده است.

۲۷ـ فَاِنَّکَ لَاتُسْمِعُ الْمَوْتٰى ـ سورهٔ روم (۵۲/۵) اِنَّکَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى ـ نمل (۸۰/۶) در این دو مورد فقط در ابتدای آیه ها تفاوت وجود دارد، در مورد اول با اضافه حرف (ف) و در دومی با کسر حرف (ف) آمده است و دنبالهٔ آیات تفاوتی ندارند، ودر سورهٔ روم بر لفظ «مسلمون» رکوع تمام می شود، اما در نمل یک آیه بعد رکوع تمام می شود یعنی تا پایان رکوع یک آیه اضافه است (سورهٔ روم دارای شش رکوع و (۵۳ آیه) ونمل دارای هفت رکوع (۹۳ آیه) است.

۲۸ـ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهٰذَا ـ سورهٔ فاطر (۱۲/۲) فُرَاتٌ وَهٰذَا ـ فرقان

(۵۳/۵) (فاطر دارای پنج رکوع و فرقان دارای شش رکوع است).

۲۹ـ وَبِالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ـ سورهٔ فاطر (۲۵/۳) نیز وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ آل عمران (۱۸۴/۱۹) ودر سورهٔ نحل بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ بدون لفظ (والکتاب) آمده است .

۳۰ـ قَالُوا طٰٓئِرُكُمْ. سوره یس (۱۹/۲) قَالَ طٰٓئِرُكُمْ. نمل (۴۷/۴) .

۳۱ـ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ ـ سورهٔ یس (۴۰/۳) كُلٌّ فِي فَلَكٍ ـ انبياء (۳۳/۳) .

۳۲ـ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ـ سورهٔ صٰفّٰت (۸۵/۳) وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ـ شعراء (۷۰/۵) .

۳۳ـ وَذَا الْكِفْلِ ۞ وَكُلٌّ ـ سوره ص (۴۸/۴) وَذَا الْكِفْلِ ۞ كُلٌّ سورهٔ انبياء (۸۵/۶) .

۳۴ـ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ـ سورهٔ مؤمن (۹/۱) فَقَدْ رَحِمَهُ ۞ سورهٔ انعام (۱۶/۲) .

۳۵ـ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ۞ سورهٔ شوری (۲۶/۳) وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْ فَضْلِهِ ۞ سورهٔ روم (۴۵/۵) شوری دارای پنج رکوع (۵۳ آیه) و سورهٔ روم دارای شش رکوع (۶۰ آیه) است.

۳۶ـ بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا ظَلَّ ـ سورهٔ زخرف (۱۷/۲) و أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثٰى ظَلَّ ـ سورهٔ نحل (۵۸/۷) .

۳۷ـ قٰلَ أَوَلَوْ جِئْتُكُمْ ـ سورهٔ زخرف (۲۴/۲) قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ. شعراء (۳۰/۲) .

۳۸ـ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ـ سورهٔ زخرف (۶۸/۷) لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ. اعراف (۴۹/۶) .

۳۹ـ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۞ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فٰكِهِينَ ۞ كَذٰلِكَ. سوره دخان (۲۵/۱) نیز وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۞ كَذٰلِكَ. شعراء (۵۸/۴) و در سورهٔ دخان قبل از لفظ «مَقَامٍ» ـ و عُيُونٍ ۞ وَزُرُوعٍ است ودر شعراء وَعُيُونٍ وَّكُنُوزٍ است .

۴۰ـ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ. سورهٔ جاثیه (۱۲/۲) وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ ـ روم (۴۶/۵) .

۴۱ـ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى. سورهٔ محمد (۲۵/۳) و (۳۲/۴) مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدٰى. نساء (۱۱۵/۱۷) .

۴۲ـ اِنَّ الَّذِیْنَ کَفَرُوا وَ صَدُّوْا عَنْ سَبِیْلِ اللّٰه ثُمَّ مَاتُوا. سورهٔ محمد (۳۴/۴) و اِنَّ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا مَاتُوْا. بقره (۱۶۱/۱۹) عمران (۹۱/۹).

۴۳ـ عَلَیْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ اَعَدَّلَهُمْ. سورهٔ فتح (۶/۱) و عَلَیْهِ وَلَعَنَهُ وَاَعَدَّلَهُ. نساء (۹۳/۱۳).

۴۴ـ قُلْ فَمَنْ یَّمْلِکُ لَکُمْ مِنَ اللّٰه شَیْئاً. سورهٔ فتح (۱۱/۲) فَمَنْ یَّمْلِکُ مِنَ اللّٰه. سورهٔ مائده (۱۷/۳).

۴۵ـ وَ اِنَّ الظَّنَّ. سورهٔ نجم (۲۸/۲) اِنَّ الظَّنَّ. سورهٔ یونس (۳۶/۴).

۴۶ـ فِیْ جَنّٰتِ النَّعِیْم ۝ در سورهٔ واقعه (۱۲/۱) قبل از لفظ عَلٰی سُرُرٍ ـ شش کلمه یعنی دو آیه اضافه است، اما در سورهٔ صٰفّٰت (۴۴/۴۳/۲) می خوانیم. فِیْ جَنّٰتِ النَّعِیْم ۝ عَلٰی سُرُرٍ. ملاحظه می کنید که در اینجا آن دو آیه وجود ندارد و فرقهای دیگر را نیز از یاد نبرید.

۴۷ـ یَشْهَدُ اِنَّ الْمُنٰفِقِیْنَ. سورهٔ منافقون (۱/۱) یَشْهَدُ اِنَّهُمْ. سورهٔ توبه (۱۰۷/۱۳) و سورهٔ حشر (۱۱/۲) و در آخر رکوع شش سورهٔ توبه بجای «یَشْهَدُ» «یَعْلَمُ» آمده است.

۴۸ـ اَوَلَمْ یَرَوْا اِلَی الطَّیْرِ ـ سورهٔ ملک (۱۹/۲) اَلَمْ یَرَوا اِلَی الطَّیْرِ. سورهٔ نحل (۷۹/۱۱).

۴۹ـ وَالَّذِیْنَ هُمْ لِفُروجِهِم تا عَلٰی صَلَوٰتِهِم یُحَافِظُون. آیات سورهٔ مؤمنون و معارج کاملاً با هم یکسانند، فقط این فرق وجود دارد که در سورهٔ معارج «وَالَّذِیْنَ هُمْ بِشَهٰدٰتِهِمْ قَآئِمُوْن ۝ نیز هست و در مؤمنون این آیه نیست، فرق دوم صَلاٰتِهِم وَصَلَوٰاتِهِم است که در فصل اول گذشت.

۵۰ـ اِنَّ هٰؤُلَآءِ لَضَآلُّوْن. سورهٔ تطفیف (۳۲/۱) ـ اِنَّا لَضَآلُّوْن ـ سورهٔ قلم (۲۶/۱).

فصل سوّم

در بیان مشابهاتی که برای یادگرفتن آنها علامات جداگانه ای مقرر شده است :

۱ـ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ و ـ إِنَّ الْمُتَّقِينَ ـ طریق شناخت این دو کلمه از هم این است که هرگاه بعد از کلمه «مُتَّقِين» حرف «فی» نیاید آنگاه إِنَّ لِلْمُتَّقِين می باشد، بطور مثال به بینیدـ ص (۴۹/۴) ، قلم (۳۴/۲) و نبأ (۳۱/۲) ـ وهرگاه بعداز کلمه «مُتَّقين »حرف (فی) بیاید آنگاه «إِنَّ الْمُتَّقِين »می باشد . مثالش را در سوره های حجر (۴۵/۴) ،دخان (۵۱/۳) ذاریت (۱۵/۱) وطور (۱۷/۱) ، قمر (۵۴/۳) و مرسلٰت (۴۱/۲) بنگرید .

۲ـ بعد از «خَلَقَ وَ خَلْقَ » بر «ضاد» کلمۀ وَالْاَرْض گاهی حرکت زبر وگاهی حرکت زیر می آید در این باره قاعده این است که هرگاه بر لام «خَلَقَ »زبر باشد بر «ضاد» و الارض نیز زبر می باشد بنگرید سورۀ اعراف (۵۴/۷) هـود (۷/۱) ، ابـراهـیم (۱۹/۳) ، فـرقان (۵۹/۵) و حـدید (۴/۱) وغیره ..وهرگاه لام «خَلْقِ »ساکن باشد «ضاد» وَالْاَرْضِ نیز ساکن می باشد، بطور نمونه بنگرید : بـقره (۱۶۴/۲۰) و آل عـمران (۱۹۰/۲۰) ، کـهف (۵۱/۷) و مؤمن (۵۷/۶).

۳ـ حُدُودُاللّٰهِ،بر دال دوم این کلمه فقط دو حرکت (زبر و پیش) می آید ـ اگر قبل از آن «تِلْکَ» یا «وَتِلْکَ»باشد بر دال حرکت پیش می آید، بنگرید بقره (۱۸۷/۲۳) و (۲۲۹/۲۹) ، نساء (۱۳/۲) ، مجادله (۴/۱) وطلاق (۱/۱) و غیره... و اگر قبل از آن، این دو کلمه نباشند و لام هم نباشد پس درین صورت بر دال حرکت زبر می آیـد، بـنگرید بـقره (۲۲۹/۲۹) و طلاق (۱/۱) وغیره... و در سورۀ توبه (۱۱۲/۱۴) چونکه قبل از آن لام آمده لذا دال «لِحُدُودِاللّٰهِ »حرکت زبر دارد ...

۴ـ بر حرف «غین »در کلمه «غُرُوْرًاوالْغَرُوْر»گاهی حرکت زبر و گاهی پیش می آید، هرگاه این کلمه بعد از لفظ «بِاللّٰهِ»بیاید، در آنجا «غین» حرکت زبر خواهد داشت ـ بطور مثال بنگرید : لقمان (۳۳/۴) ـ فاطر (۵/۱) و حدید

(۱۴/۲) و اگر قبل از این کلمه، (لفظ) «بِاللّهِ» نباشد در آن صورت «غین» این کلمه حرکت پیش خواهد داشت ـ بنگرید آل عمران (۱۸۵/۱۹) ، نساء (۱۲۰/۱۸) ،اعراف (۲۲/۲) اسراء (۶۴/۷) ، حدید (۲۰/۳) و ملک (۲۰/۲) و غیره...

۵ـ قُلْ لِلّهِ وَقُلِ اللّهُ ـ طریق شناخت این دو کلمه از یکدیگر،این است که هر گاه (های) لفظ الله حرکت زیر داشته باشد آنجا قُـلْ لِلّهِ (باتشدید) خواهد بود، و اگر حرکت زبر یا پیش داشته باشد پس قُلِ اللّهُ (بغیر تشدید) می باشد مثال صورت اول انعام (۱۲/۲) و زمر (۴۴/۵) ومثال دوم انعام (۱۹/۲) و (۹۱/۱۱) وزمر (۱۴/۲) وغیره وَقُلِ اللّهُمَّ در هر دو جا بدون تشدید است.

۶ـ بر حرف ذال در کلمه «مُنْذِرِين» در حالات مختلف دو حرکت زبر وزیر در می آید، هرگاه قبل از این کلمه یکی از این سه لفظ: (۱) عَاقِبَةُ (۲) مَطَرُ (۳) صَبَاحُ بیاید آنگاه ذال این کلمه حرکت زبر خواهد داشت، بنگرید: یونس (۷۳/۸) صٰفّٰت (۷۳/۱) و (۱۷۷/۵) شعراء (۱۷۳/۹) ونمل (۵۸/۴) ، و هرگاه قبل از آن، یکی از این سه کلمه نیاید حرکت ذال زیر می باشد بطور مثال بنگرید: شعراء (۱۹۴/۱۱) وصٰفّٰت (۷۲/۲) ودخان (۳/۱) .

۷ـ طریق شناخت «اِلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ و عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ» این است که اگر قبل از آن‌ها یکی ازکلمات تَهْدِیْ ـ یَهْدِیْ ـ لَهَادِ ـ وَهَدَیْنٰهُم بیاید پس بعد از آنها اِلٰی صِرَاطٍ خواهد آمد، نگاه کنید: سوره بقره (۱۴۲/۱۷) و (۲۱۳/۲۶) انعام (۸۷/۱۰) یونس (۲۵/۳) حج (۵۴/۷) شوری (۵۲/۵) و غیره و اگر قبل از آن‌ها یکی از این کلمات نباشد پس عَلٰی صِرَاطٍ خواهد بود مانند :انعام (۳۹/۴) هود (۵۶/۵) یس (۴/۱) و غیره و در سورهٔ احقاف (۳۰/۴) یَهْدِیْ اِلَی الْحَقِّ وَاِلٰی طَرِیْقٍ مُّستقیمٍ آمده است و در سورهٔ حج (۶۷/۹) لَعَلٰی هُدًی مُّستَقِیم است (البتّه این گونه موارد،برای کسانیکه به زبان عربی آشنایی دارند،اشکالی ایجادنخواهد کرد، مترجم).

۸ـ طریق شناخت اِسْم و اِثْم ـ اگر همزه آن همزه و صل باشد وخوانده

نشود در آنجا «اسم» است مانند :آل عمران (۴۵/۵) صف (۶/۱) مزمل (۸/۱) دهر (۲۵/۲) و سورهٔالاعلی آیه ۱و ۱۵ و غیره و اگر همزه قطع باشد و خوانده شود در آنجا «اثم» است نگاه کنید : بقره (۸۵/۱۰) آل عمران (۱۷۸/۱۸) نور (۱۱/۲) ومجادله (۹/۲) وغیره‌و..

۹ـ طریق شناخت أهِلَّ وَأُحِلَّ ـ اگر بعد از این کلمه «بِهِ» یا (لِغَيْرِاللّٰهِ) بیاید پس با (ه) است یعنی أُهِلَّ مثال :بقره (۱۷۳/۲۱) مائده (۳/۱) ،انعام (۱۴۵/۱۸) ونحل (۱۱۵/۱۵) ـ و اگر بعد از آن یکی از این دو نباشد پس با (ح) است یعنی أُحِلَّ مثال: بقره (۱۸۷/۲۳) ،نساء (۲۴/۴) ،مائده (۴/۱) و (۹۶/۱۳) وحج (۳۰/۴) وغیره،اینگونه هم می توانیم بگوئیم که اگر بعد از آن لَكُمْ یا لَهُمْ باشد با (ح) و اگر نباشد با (ه) می آید.

۱۰ـ طریق شناخت اَهْدٰى وَاِخْدٰى ،اگر همزه حرکت زبر دارد پس اَهْدٰى و اگر حرکت زیر دارد اِخْدٰى است. مثال اول ملک (۲۲/۲) ،وغیره مثال دوم (قصص (۲۵/۳) وغیره.

۱۱ـ طریق شناخت جَاهَدُوْاوَجَحَدُوْا) ـ اگر بعد از جیم الف باشد پس با (ه) یعنی جَاهَدُوا خواهد بود مثال :بقره (۲۱۸/۲۷) ،انفال (۷۲/۱۰) وتوبه (۲۰/۳) وغیره و اگر بعد از جیم الف نباشد پس با (ح) می باشد چنانچه در سورهٔ نمل (۱۴/۱) موجود است.

۱۲ـ طریق شناخت کلمه لَآيَةً وَلَآيٰتٍ در سورهٔ نحل، این کلمه در این سوره هفت مرتبه تکرار می شود که در دومین و هفتمین موارد (ی) دارای الف کوتاه و (ت) دارای تنوین جر می باشد و در پنج مورد دیگر (ی) مفتوح و (ت) دارای تنوین نصب می باشد، یا بعبارت دیگر در آیه های (۱۲و۷۹) لَآيٰتٍ هست و پنج تای باقی لَآيَةً می باشد.

۱۳ـ مُحْصَنٰتٍ اگر با صاد باشد باشد حرکت زبر دارد،واگر با سین باشد حرکت زیر دارد مثال اول نساء (۲۴/۴) ،مائده (۵/۱) ،نور (۴/۱) و (۲۳/۳) ،مثال دوم مانند،لِلْمُحْسِنٰتِ مِنْكُنَّ احزاب (۲۹/۴).

۱۴ـ أَثَرِوَأَسْر ـ اگر حرف دوم حرکت زبر دارد پس با (ث) و اگر ساکن است پس با سین می باشد مثال اول سورهٔ طه (۸۴/۴) و (۹۶/۵) مثال

دوم سورهٔ دهر (۲۸/۲).

۱۵ـ کُنْتُمْ بِهِ وکُنْتُم بِهَا ـ بعداز (الَّتِی) کُنتم بِهَا و بعد از (الَّذِی) کُنْتُمْ بِهِ می باشد ،مثال اول سبا (۴۲/۵) وطور (۱۴/۱) ومثال دوم سورهٔالسجده (۲۰/۲) وتطفیف (۱۷/۱).

۱۶ـ بعدازکلمه «سِیرُوْا» در سورهٔ انعام (۱۱/۲) کلمه (ثُمَّ انظُرُوْا) آمده ودر جـاهای دیگـر (فَـانظُرُوْا) است ،مانند سورهٔ نـحل (۳۶/۵) ،عـنکبوت (۲۰/۲) و روم (۴۲/۵) و غـــیره.. .وبـعد از «یَسِــیرُوْا» در هـمه جـا «فَیَنْظُرُوْا»آمده ،بطور مثال :نگاه کنید روم (۹/۱) ، فـاطر (۴۴/۵) مـؤمن (۲۱/۳) و (۸۲/۹) ومحمد (۱۰/۱) وغیره...

۱۷ـ قبل ازکاف و راء فقط درکلمه (زکریّا) حرف (ز) آمده که در تمام قرآن هفت جا می باشد و دربقیّه موارد حرف ذال است مانند (ذِکْرِنا ـ ذَکَرُوا ـ ذُکِّرْتُمْ ـ ذِکْرٌ ـ یَذَّکَرُوْنَ ـ تَذَّکَرُوا ـ یَتَذَکَّرُوْنَ ـ ذَکَرٍ ـ ذَاکِرِیْنَ ـ ذُکْراناً ـ وغیره...

۱۸ـ میان کاف و (ب) همیشه حرف ذال می آید نه «ز» مانند : یَکْذِبُوْنَ ـ کَاذِبٌ ـ کَذَّابٌ ـ کُذِبُوا ـ کُذِّبَتْ ـ مُکَذِّبِیْنَ ـ یُکَذِّبُ ـ تکْذِبُوْن ـ و میان عین و (ب) هم همیشه حرف ذال می آید مانند :عَذْبٌ ـ عَذَاباً ـ یُعَذِّبُ ـ مُعَذِّبِیْن ـ وَعَذَّبْنٰهَا ـ لیکن یَعْزُبُ ـ در سورهٔ یونس (۶۱/۷) وسبا (۳/۱) با «زاء» آمده که از این قاعده مستثنی است و میان نون و لام همیشه حرف «زاء» می آید. مانند :نَزَّلْنَا ـ نَزَلَ ـ یُنْزِلُ ـ مُنَزَّلٌ ـ اَنزلَتْ ـ و غیره..

۱۹ـ قبل از عین و میم نیز حرف (ز) می آید مانند ـیَزْعُمُوْنَ ـ زَعَمْتُمْ ـ غیره...

۲۰ـ قبل از (حاوفا) و نیز قبل از (فاوحا) همیشه حرف صاد می آید. مانند :صُحُفٍ ـ صُحُفًا ـ وَاصفَحوا ـ صَفحًا ـ اما (مَسفُوحًا) در سورهٔ انعام (۴۶/۱۸) با سین آمده ـ واگر بعد از «ف» «ه» بیاید باز هم قبل از فا ـ سین می آید نه صاد ـ مانند :سَفِهَ ـ سَفِیْهاً ـ سَفَاحَةٍ ـ سُفَهاً ـ و غیره...

۲۱ـ اگر «یَغْفِرْ» و «یُؤَخِّرْ» هر دو با هم بیایند یا بر حرف راء هر دو کلمه حرکت فتحه در می آید یامجزوم می باشد. یعنی اگر راء اول زبر باشد پس راء کلمه دوم هم زبر خواهد بود و اگر ساکن باشد پس راء دوم هم

ساکن خواهد بود مثال اول سورهٔ ابراهیم (۱۰/۲) و مثال دوم سورهٔ نوح (۴/۱) (يَغفِرَ) و (يُدخِلَ) نیز همین حکم رادارند. یعنی دوم موافق اول خواهد بود ،بنگرید : صف (۱۲/۲) و يُكَفِّرْ و يُدخِلْ، اگر باهم بیایند نیز در همین حکم داخل اند، چنانچه در سورهٔ تغابن (۹/۱) راء و لام ساکن اند ودر سورهٔ تحریم (۸/۲) بر راء و لام حرکت زبر آمده است.

۲۲- بعد از اَقِيمُواالصَّلٰوةَ «همواره» وَاٰتُواالزَّكٰوةَ وبعد از «اَقَامُواالصلٰوةَ «نیز» اتوالزکاة می آید مثال اول بقره (۸۳/۱۰) و (۱۱۰/۱۳) ،حج (۷۸/۱۰) ومزمل (۲۰/۲) و مثال دوم بقره (۲۷۷/۳۸) ، توبه (۵/۱) و (۱۱/۲) وحج (۴۱/۶) و غیره...وبعد از (اَقَامَ الصَّلٰوةَ) (واٰتَى الزكٰوةَ) می آید نگاه کنید :بقره (۱۷۷/۲۲) وغیره...

۲۳- وَالمِسكِينَ وَابْنَ السَّبِيْلِ اگر (ن) کلمه اول حرکت زبر دارد (ن) کلمه دوم نیز دارای همان حرکت است و اگر حرکت زیر دارد پس (ن) کلمه دوم نیز حرکت زیر دارد مثال اول اسراء (۲۶/۳) وروم (۳۸/۴) مثال دوم بقره (۲۱۵/۲۶) ، انفال (۴۱/۵) و حشر (۷/۱) اما در سورهٔ بقره (۱۷۷/۲۲) هر دونون مفتوح هستند.

۲۴- در کلمهٔ «يَذَّكَّرُ» اگر میان «ی» و «ذ» حرف «ت» نباشند و «ک» هم حرکت فتحه داشته باشد پس بر ذال و کاف هر دو تشدید می آید بنگرید :اسراء (۴۱/۵) ،فرقان (۵۰/۵) و (۶۲/۶) وعبس و اگر قبل از ذال تاباشد فرقی نیست خواه قبل از حرف «ت»،«ی» باشد یا نباشد در این صورت بر حرف کاف تشدید می آید نه بر ذال مانند :انعام (۱۵۲/۱۹) ، اعراف (۳/۱) ، هود (۲۴/۲) و (۳۰/۳) ،نمل (۶۲/۵) ،قصص (۴۳/۵) ومؤمن (۵۸/۶) وغیره...واگر کاف حرکت ضمه داشته باشد پس ذال ساکن و کاف بدون تشدید می باشد بنگرید :نساء (۱۴۲/۲۱) ومریم (۶۷/۵) و غیره...

وکلمهٔ يَزَّكّٰى نیز در همین حکم داخل است - یعنی اگر میان یا و زا تا نباشد پس بر زاوکاف هر دو تشدید می آید بنگرید سوره عبس (۷/۱) اگر تا باشد پس «ز» بدون تشدید و «ک» با تشدید می آید بنگرید (طه)

(۷۶/۳)، اعلی (۱۴/۱) و سورهٔ لیل (۱۸/۱) وغیره...

۲۵- بعد از یَدَیْهِ همواره مِنْ خَلْفِهٖ وبعد از اَیْدِیْهِمْ... خَلْفَهُمْ می آید مثال اول فصّلت (۴۲/۵) و جن (۲۷/۲) و غیره... ومثال دوم فصلت (۱۴/۲) و (۲۵/۳) وغیره..

۲۶- یٰبُنَیَّ- درین کلمه هرگاه حرف «ب» ضمه داشته باشد نون مفتوح می شود بنگرید هود (۴۲/۴)، یوسف (۵/۱)، لقمان (۱۳/۲) وصٰفّٰت (۱۰۲/۳) وهرگاه «ب» حرکت فتحه داشته باشد نون حرکت کسره خواهد داشت بقره (۱۳۲/۱۶) ویوسف (۶۷/۸) و (۸۷/۱۰).

۲۷- اگر قبل از کلمهٔ «السَّمٰوٰتُ» حرف «فِیْ» نباشد پس بعد از آن «وَمَا فِی الْاَرْضِ» یا «وَفِی الْاَرضِ» نمی آید، بلکه «وَالْاَرْضِ» می آید مانند: مُلْکُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ- بقره (۱۰۷/۱۳) وآل عمران (۱۸۹/۱۹)، مائده (۱۷/۳) و (۴۰/۶) وغیره...، و«مِیْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ» آل عمران «۱۸۰/۱۸» و حدید (۱۰/۱) و «غَیْبُ السَّمٰوٰت وَالْاَرضِ» نحل «۷۷/۱۱» فاطر (۳۸/۵) و حجرات (۱۸/۲) وغیره... و «جُنُوْدُ السَّمٰوٰت وَالْاَرْض» فتح «۴/۱» و «بَدِیْع السَّمٰوٰت وَالْاَرْضِ» بقره (۱۱۷/۱۴) وانعام (۱۰۱/۱۳) و «نُوْرُ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ» نور (۳۵/۵) «وخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ» جاثیه (۲۲/۳) و «مَاخَلَقْنَاالسَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ» احقاف (۳/۱) وغیره.. وبعد از «مَافِیالسَّمٰوٰت» کلمه «وَالْاَرْضِ» در سوره های بقره (۱۱۶/۱۴)، نساء (۱۷۰/۲۳)- انعام (۱۲/۲)، نحل (۵۲/۷)، عنکبوت (۵۲/۶)، لقمان (۲۰/۳) و حشر (۲۴/۳)، حدید (۱/۱) وتغابن (۱/۱) نیز آمده است چونکه در این موارد اکثراً اشتباه می شود لذا آنها رایادآوری کردیم[1] و در مواردی مانند «فِی السَّمٰوٰتِ وَفِی الْاَرْضِ «یا» وَالْاَرْضِ» یا «مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ ومَنْ فِی الْاَرْضِ یاوَالْاَرضِ چون اشتباه نمی شود از ذکر آنها خود داری کردیم.

۲۸- درکلمهٔ «بَشَرٌ مِثْلُکم «یا» مِثْلُنَا» اگر بر لام «مِثْل» حرکت ضمه باشد پس

۱« اَلَااِنَّلِلّٰهِ مافی السّمٰوات و الارض» در سورهٔ یونس (۵۵/۶) و نور (۶۴/۹) آمده که در فصل پنجم ذکر خواهد شد، لذا اینگونه موارد مجموعاً یازده مورد هستند

بر «ر» بشر نیز ضمه می آید و اگر فتحه باشد پس بر «ر» «بَشَرٌ» نیز فتحه می آید مثال اول انبیاء (۳/۱) ومؤمنون (۲۴/۲) وغیره . . .مثال دوم (مؤمنون (۳۴/۳) وغیره . . . در حقیقت لفظ «مِثْلُ» بعد از کلمه «بَشَرٌ» است اما با این حال «مِثْلُ» را به این دلیل اصل قرار داریم که در حرکت لام او اشتباه نمی شود بلکه تنها به حرکتها «ر» کلمه «بَشَرٌ» اشتباه می شود.

۲۹ـ لَآيَةً ولَآيٰتٍ ـ هرگاه بعد از یا الف نباشد در همه جا تا تنوین نصب در می آید ولی اگر الف باشد تنوین جر (زیر) در می آید.

توجه : این قاعده مخصوص کلماتی است که در اول آنها لام می آید زیرا محل اشتباه این نوع کلمات می باشد.

۳۰ـ اگر کلمه لَعِب و لَهْوٌ باهم بیایند پس همیشه لَعِبٌ اول می آید بنگرید :انعام (۳۲/۴) و (۷۰/۸) و محمد (۳۶/۴) وحدید (۲۰/۳) فقط در سورهٔ اعراف (۵۱/۶) و عنکبوت (۶۴/۷) لَهْوٌ قبل از لَعِبٌ آمده است .

۳۱ـ هُدَى اللّٰهِ و هُدَى اللّٰهُ ـ اگر «ه» هدی ضمه داشته باشد های لفظ الله مکسور می باشد بقره (۱۲۰/۱۴) و غیره و اگر «ه» هَدَى زبر داشته باشد «ه» لفظ الله مضموم می باشد (انعام ۹۰/۱۰).

فصل چهارم

این فصل که شامل علامات و یژه ای است به چهار قسمت تقسیم می شود.

قسم اول

مشابهاتیکه برای یادگیری اعراب آنها حرکت اولین حرف نام سورهٔ را علامت قرار داده ایم یعنی حرف آغازین نام سوره چه حرکتی دارد . آن کلمه نیز دارای همان حرکت است .اینگونه مشابهات نه تاست :

۱ـ إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ سوره مدثر (۵۴/۲) وَإِنَّهَاتَذْكِرَةٌ (سوره عبس آیه ۱۱) ببینید

حرف اول مدثر (یعنی م) حرکت ضمه دارد لذا حرف (ه) در إِنَّهُ نیز حرکت ضمه دارد و حرف اول عبس یا اعمی (یعنی عین یا همزه) حرکت فتحه دارد بنابراین «ها» در کلمه «إِنَّهَا» نیز حرکت فتحه دارد وبقیه موارد را همینگونه مقایسه کنید. ما در آینده هر یک را جداگانه تشریح نمی کنیم فقط قاعده را در نظر داشته باشید که سوره چه نام دارد وحرکت حرف اولش چیست. کلمه مشابه نیز دارای همان حرکت است.

۲ـ لَهُ الْعَذَابُ (سوره فرقان ۶۹/۶) و لَهَا الْعَذَابُ (سورهٔ احزاب ۳۰/۴).

۳ـ مَوْتَتَنَا الْأُولى (سورهٔ صفت ۵۹/۲) و مَوْتَتَنَا الْأُولى (سوره دخان ۳۵/۲).

۴ـ كَذَّبُوا الرُّسُلَ (سورهٔ فرقان ۳۷/۴) و كَذَّبَ الرُّسُلَ سورهٔ ص (۱۴/۱) و ق (۱۴/۱).

۵ـ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ سورهٔ یوسف (۶/۱) وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ سورهٔ فتحنا (۲/۱).

۶ـ اَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ وَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ سورهٔانفال (۱۶و۷) ونیز يُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ سورهٔ یونس (۸۲/۸). نیز و يُحِقُّ الْحَقَّ سورهٔ شوری (۲۴/۳) در این جا حرکت (ق) را در انفال بوسیله حرکت همزه و در یونس بوسیله حرکت «یا» و در شوری بوسیلهٔ حرکت (ش) بخاطر بسپارید.

۷ـ اَوَ لَوْ كَانَ اٰبَآءُهُمْ لاَ يَعْقِلُونَ شَيئاً ـ اَوَ لَوكَانَ اٰبَآءُهُمْ لاَ يَعْلَمُوْنَ شَيْئاً ـ طریق تمیّز این دو مورد از هم این است که لاَيَعْقِلُوْنَ (باقاف) در سورهٔ بقره (۱۷۰/۲۱) است یعنی در نام سوره (ق) است و در این کلمه هم (ق) است وَلاَيَعْلَمُونَ با (م) در سورهٔ مائده (۱۰۴/۱۴) است. در نام سوره «م» است و در این کلمه هم حرف «م» وجود دارد.

۸ـ فِيمَا فَعَلْنَ فِی اَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ـ سورهٔ بقره (۲۳۴/۳۰) و... مِنْ مَعروفٍ ٥ در همان سوره (۲۴۰/۳۱) در ترتیب حروف تهجی نخست «ب» می آید سپس «م» در اینجا هم اینچنین است که اول «با» یعنی (بِالْمَعْرُوف) و سپس «م» یعنی مِنْ مَعرُوف آمده است.

۹ـ فَاَنَّ لَهُ نَارَ ـ سوره توبه (۶۳/۸) فَإِنَّ لَهُ نَارَ سورهٔ جن (۲۳/۲).

قسم دوم

مشابهاتی که برای شناخت آنها حرکت اولین حرف کلمه ای که سوره با آن آغاز می شود علامت قرار داده شده است نه حرکت حرف اولِ نام سوره، و این گونه متشابهات سه تا هستند.

۱۰/۱ - وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ سورهٔ اسراء (۹/۱) نیز وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ سورهٔ کهف (۲/۱) ملاحظه فرمایید، نخستین کلمه سوره اسراء «سُبْحٰنَ الَّذِی» است وحرف (سین) حرکت ضمه دارد حرف (ر) درکلمهٔ (يُبَشِّرُ) نیز حرکت ضمه دارد و کلمه آغازین سوره کهف اَلْحَمْدُ است وهمزه آن حرکت فتحه دارد حرکت (ر) يُبَشِّرَ نیز فتحه است، در ضمن این نکته را نیز به خاطر بسپارید که در همین آیات در سوره اسراء (اَجْراً كَبِيراً) ودر کهف (اَجْراً حَسَناً) است.

۱۱/۲ - آيَاتِنَا كُلَّهَا سوره طه (۵۶/۳) وَبِاٰيٰتِنَا كُلِّهَا سورهٔ قمر (۴۲/۳) در اینجا نخستین حرف سوره طه که (ط) است حرکت فتحه دارد لذالام «كُلَّها» نیز دارای همان حرکت است، و همزه اولین کلمه سوره قمر (اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ) مکسور است از این جهت لام «كُلِّهَا» هم مکسور می باشد.

۱۲/۳ - يُنْزَفُونَ سورهٔ صٰفّت (۴۷/۲) يُنْزِفُونَ سورهٔ واقعه (۱۹/۱).

قسم سوم

در مورد مشابهاتی است که برای شناخت آنها این علامت تعیین شده که کلمه داخل پرانتز در اولین سوره ،جلوتر و در دومین سوره بعد ذکر شده است و این نوع مشابهات یازده تاست .

۱۳/۱ (نَحْنُ) وَآبَآءُنَا هٰذَا سورهٔ مؤمنون (۸۳/۵) وهمچنین هٰذَا (نَحْنُ) وَآبَاءُنَا.همانگونه که ملاحظه می فرمایید، کلمه نحن در مورد اول جلوتر از مورد دوم آمده است .

۱۴/۲ ـ (لِلنَّاسِ) فِی هٰذَاالْقُرآنِ سورهٔ اسراء (۸۹/۱۰) فِی هٰذَاالْقُرآنِ (لِلنَّاسِ) سوره کهف (۵۴/۸) و در سوره اسراء (۴۸/۵) فقط «فِی هٰذَاالْقُرآنِ» آمده بدون کلمه «لِلنَّاسِ» در سورهٔ فرقان (۵۰/۵) وَلَقَد صَرَّفْنٰهُ آمده باحذف هر دو کلمه .

۱۵/۳ وَاِنَّنَالَفِی شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا سورهٔ هود (۶۲/۶) وَاِنَّا لَفِیْ شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا سورهٔ ابراهیم (۹/۲) سورهٔ هود قبل از سورهٔ ابراهیم است لذاکلمه ای که دارای دو (ن) است (اِنَّنَا) در این سوره اول آمده و سوره ابراهیم بعد از سوره هود است لذا کلمه ای که دارای دو «ن» است «تَدعونَنَا»بعد آمده است .

۱۶/۴ (بِالْقِسطِ) شُهَدَآءَلِلّٰهِ سورهٔ نساء (۱۳۵/۲۰) ـ لِلّٰهِ شُهَدَاءَ (بِالْقِسطِ) سورهٔ مائده (۸/۲) .

۱۷/۵ (رَجُلٌ) مِنْ اَقْصَاالْمَدِیْنَةِ سورهٔ قصص (۲۰/۲) مِنْ اَقْصَاالْمَدِیْنَةِ (رَجُلٌ) سورهٔ یس (۲۸/۲) .

۱۸/۶ بعد از یَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ کلمه ما (لاَیَضُرُّهُمْ) وَلاَ یَنْفَعُهُمْ سورهٔ یونس (۱۸/۲) وَمَالاَ یَنْفَعُهُمْ و (لاَیَضُرُّهُمْ) سورهٔ فرقان (۵۵/۵) ودر سورهٔ نحل (۷۳/۱۰) می خوانیم وَیَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنَ اللّٰهِ مَا لاَ یَمْلِکُ ودر سوره حج (۷۱/۹) است وَیَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ ـ پس فقط در همین چهار مورد است که

آیه با کلمه «وَيَعْبُدُوْنَ» آغاز می گردد.

۱۹/۷ (لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ) خَالِقُ كُلِّ شَیْءٍ. سورهٔ انعام (۱۰۲/۱۳) و خَالِقُ كُلِّ شَیْءٍ (لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ) سورهٔ مؤمن (۶۲/۷).

۲۰/۸ (عَلٰى شَیْءٍ) مِمَّا كَسَبُوْا. سورهٔ بقره (۲۶۴/۳۶) و مِمَّا كَسَبُوا (عَلٰى شَیْءٍ) سورهٔ ابراهیم (۱۸/۳).

۲۱/۹ (لَعِبًا) وَّلَهْوًاسوره انعام (۷۰/۸) و لَهْوًا وَّ (لَعِبًا) سورهٔ اعراف (۵۱/۶).

۲۲/۱۰ (لَاَوَّاهٌ) حَلِيْمٌ - سوره توبه (۱۱۴/۱۴) و لَحَلِيْمٌ (اَوَّاهٌ) سوره هود (۷۵/۷).

۲۳/۱۱ تِلْكَ آيَاتُ (الْكِتٰبِ) وَقُرْآنٍ مُّبِيْنٍ سوره حجرا (۱/۱) وتِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِيْنٍ سوره نمل (۱/۱).

قسم چهارم

مشابهاتیکه هر یک دارای علایم جداگانه‌ای است و آنها بشرح ذیل اند:

۲۴/۱ كَثِيْرَةٌ وَّمِنْهَا سوره مؤمنین (۱۹/۱) كَثِيْرَةٌ مِّنْهَا سوره زخرف (۷۳/۷) در اینجا علامت این است که در نام سوره مؤمنون حرف و او هست لذا این کلمه آنجا باواو آمده یعنی (وَمِنْهَا) و در نام سورهٔ زخرف واو نیست لذا در این سوره کلمهٔ «مِنْهَا» بدون و او آمده است.

۲۵/۲ در سوره یوسف (۲۵/۳) کلم، «قَمِيْصُهٗ» چهار بار آمده که در اول و چهارم حرف «ص» حرکت زبر و در دوم و سوم حرکت ضمه دارد یا اینکه هرکجا همراه باکلمه «كَانَ» آمده (یعنی در صورت دوم و سوم) آنجا حرکت ضمه دارد و در صورت اول و چهارم که بدون کلمهٔ «كَانَ» آمده

آنجا حرف «ص» حرکت فتحه دارد، لازم به یادآوری است که در مورد سوم بعد از «قَمِيصُهُ» «مِنْ قُبُلٍ» آمده و در بقیه سه مورد دیگر (مِنْ دُبُرٍ) است.

۲۶/۳ وَنِعْمَ اَجْرُالْعَامِلِيْنَ در سوره آل عمران (۱۳۶/۱۴) با (واو) ودر سوره زمر (۷۴/۸) با (فا) «فَنِعْمَ» و در سوره عنکبوت (۵۸/۶) بدون (واو) و (فا) «نِعْمَ» آمده است یابعبارت دیگر، اولی با و او و سومی با فا و وسطی از و او و فا خالی است. یا اینگونه بخاطر سپرد که آنکه دارای «ف» است درجزء «فَمَنْ اَظْلَمَ» (۲۴) است که با حرف فا شروع می شود ودر آل عمران با و او است و در عنکبوت بدون «ف» و «واو».

۲۷/۴ قَالَ اِنَّکَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ سوره کهف (۶۷/۹) ـ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ اِنَّکَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ ـ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّکَ اِنَّکَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ ـ سورهٔ کهف (۷۲/۷۵/۱۰) در اینجا این نکته را باید بخاطر سپرد که در هر مورد تدریجاً ارتقاء نموده وکلماتی چند اضافه شده است چنانکه مورد اول از همه کمتر و در دومی ۲ کلمه و در سومی سه کلمه افزوده شده است و این علامت در جاهای دیگر نیز بکار می رود مانند لَمُحْضَرُوْنَ اِلاَّ ـ سوره صٰفّٰت (۱۲۷/۴) وَلَمُحْضَرُوْنَ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ اِلاَّ سوره صفت (۱۵۹/۵) در مورد اول چهارکلمه کمتر است و در دوم ارتقاء یافته چهارکلمه افزایش یافته‌است. همچنین می توان در دو رکوع متشابه، بزرگی و کوچکی رکوع راعلامت قرار داد. باین نحو که رکوع چهارم «صٰفّٰت» از رکوع بعدی کوچکتر است و در رکوع اول الفاظ نیز کمترند و در دوم بیشتر و نیز می توان عکس اینصورت و همچنین ارتقاء تدریجی را علامت قرار داد.

۲۸/۵ اگر در یک یا چند رکوع یا در تمام سوره یک کلمه چند بار تکرار شود مانند سوره جن رکوع اول که در آن چهارده آیه با کلمه وَاِنَّهُ ـ وَاَنَّا ـ وَاَنَّهُمْ ـ وَاَنَّ آغاز می شود برای تشخیص اینگونه موارد، بهترین طریقه این است

که همراه با کلمه تکرار شده یک یا چند کلمه دیگر افزوده شود و بطور شماره گذاری چندین بار تکرار گردد تا خوب در ذهن بماند انشاءالله بدین ترتیب موفق خواهید شد که تمام موارد رابه خاطر بسپارید.

فصل پنجم

آیات متشابهی که دارای اعراب یا الفاظ دوگانه اند که یکی از آندو در موارد کمتر و دوم در موارد بیشتر آمده است اول را (که کمتر است) ذکر کرده‌ایم و خاطر نشان ساخته ایم که موارد دیگر به صورت دوم آمده‌است. تفصیل این اجمال از خلال بحث معلوم می گردد.

۱ـ مَا تُبْدُونَ وَمَاكُنْتُمْ تَكْتُمُونَ سوره بقره (۳۳/۴) لفظ «كُنْتُمْ» فقط در همین یک مورد آمده است و در جاهای دیگر «مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ» است بطور مثال نگاه کنید سوره مائده (۹۹/۱۳) سوره نور (۲۹/۴) وغیره.

۲ـ فَاَخَذَتْكُمُ الصّٰعِقَةُ تنها در سوره بقره (۵۵/۶) آمده و در بقیه موارد فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ است نگاه کنید سوره نساء (۱۵۳/۲۲) و ذاریات (۴۴/۲) و در فصّلت (۱۷/۲) فَاَخَذَتْهُمْ صٰعِقَةُ بدون الف ولام آمده است.

۳ـ فَقَلِيلاً مَّا يُؤْمِنُونَ...تنها یک جا در سوره بقره (۸۸/۱۱) و در موارد دیگر فَلاَ يُؤْمِنُونَ اِلاَّ قَلِيلاً ـ است نگاه کنید سوره نساء (۴۶/۷) و (۱۵۵/۲۲).

۴ـ وَمَلٰئِكَتِهٖ وَرُسُلِهٖ ـ فقط در سوره بقره (۹۸/۱۲) ودر همه موارد دیگر و مَلٰئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ است ببینید سوره بقره (۲۸۵/۴۰) وسوره نساء (۱۳۶/۲۰).

۵ـ اِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ تنها در یک جای سوره بقره (۱۱۵/۱۴) آمده ودر بقیه شش مورد دیگر یعنی سوره بقره (۲۴۸/۳۲) و (۲۶۱/۳۶) و

(۲۶۸/۳۷) سوره آل عمران و (۷۳/۸) وسوره مائده (۵۴/۸) وسوره نور (۳۲/۴) وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ است .

۶ـ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَومِ الْاٰخِرِ ـ تنها یک جا در سوره بقره (۱۲۶/۱۵) است و در بقیه موارد (آمَنَ بِاللّٰه) بدون (مِنْهُمْ) آمده است نگاه کنید سوره بقره (۶۲/۸) و (۱۷۷/۲۲) سوره مائده (۶۹/۱۰) و غیره .

۷ـ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ مَّآءٍ تنها یک جا در سوره بقره (۱۶۴/۲۰) آمده است ودر بقیه که بیست جای دیگرند مِنَ السَّمَآءِ مَآءً است که عبارتند از سورۀ بقره (۲۲/۳) سوره انعام (۹۹/۱۲) سوره انفال (۱۱/۲) سوره رعد (۱۷/۲) سوره ابراهیم (۳۲/۵) سوره حجر (۲۲/۲) سوره نحل (۱۰/۲و۶۵/۸) سوره طه (۵۳/۲) سوره حج (۶۳/۸) سوره مؤمنون (۱۸/۱) سوره فرقان (۴۸/۵) .

سوره نمل (۶۰/۵) سوره عنکبوت (۶۳/۶) سوره روم (۲۴/۳) سوره لقمان (۱۰/۱) سوره فاطر (۲۷/۴) سوره زمر (۲۱/۲) سوره زخرف (۱۱/۱) سوره ق (۹/۱) .

۸ـ اُهِلَّ بِهٖ لِغَيْرِ اللّٰهِ ـ تنها درسوره بقره (۱۷۳/۲۱) آمده و در سه مورد دیگر اُهِلَّ لِغَيْرِاللّٰهِ بِهٖ است که عبارت اند از سوره مائده (۳/۱) سوره انعام (۱۴۵/۱۸) و سوره نحل (۱۱۵/۱۵) .

۹ـ لفظ «مِنْ فَضْلِهٖ» همیشه توأم است با «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» جز در سوره بقره (۱۸۹/۲۳) که «وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» با «و» آمده است و در تمام موارد دیگر لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ بدون و او آمده است نگاه کنید سوره مائده (۶/۲) و (۸۹/۱۲) و غیره و اکثر در دو مورد یعنی سوره بقره (۱۸۹/۲۳) ومائده (۶/۲) اشتباه می شود .

۱۰ـ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ ـ تنها در سوره بقره (۱۸۷/۲۳) آمده است ودر

چهار جای دیگر یعنی سوره بقره (۲۴۲/۳۱) آل عمران (۱۰۳/۱۱) مائده(۸۹/۱۲) نور (۵۹/۸) لَكُمْ آيٰتِهِ آمده و در جاهای دیگر «لَكُمُ الْاٰيٰات » می آید بطور مثال نگاه کنید به سوره بقره (۲۶۶/۳۶) و سوره نور (۶۱/۵۸/۸) .

۱۱ـ غَنِيٌّ حَلِيمٌ سوره بقره (۲۶۳/۳۶) و غنی کریم سوره نمل (۴۰/۳) بجز این دو مورد در هر جای دیگر اَلْغَنِيُّ الْحَمِيدُ و «لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ يا غَنِيٌّ حَمِيدٌ»می آید بطور مثال نگاه کنید سوره ابراهیم (۸/۲) حج (۶۴/۸) لقمان (۲۶/۳) حدید (۲۴/۳) ممتحنه (۶/۱) و تغابن (۶/۱) وغیره هر گاه بر لفظ اول الف و لام بیاید بر دوم نیز الف و لام خواهد آمد ودر این صورت نون تنوین هم نمی آید و در دو مورد دیگر لَغَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِينَ آمده که عبارت اند از آل عمران (۱۰) وعنکبوت (۶/۱) .

۱۲ـ يُكَوِّرُ الَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى الَّيْلِ تنها در سوره زمر (۵/۱) آمده است و تُوْلِجُ الَّيْلَ فِى النَّهارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِى الَّيْلِ د رآل عمران (۲۷/۳) باحرف تا آمده یعنی «تُولِجُ» و در موارد دیگر با «یا» یعنی «يُوْلِجُ»که عبارتند از سوره حج (۶۱/۸) لقمان (۲۹/۳) فاطر (۱۳/۲) وحدید (۶/۱) .

۱۳ـ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتٰبَ تنها در سوره آل عمران (۴۸/۵) آمده وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتٰبَ در سوره بقره (۱۵۱/۱۸) آمده و دربقیه موارد وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ است نگاه کنید سوره بقره (۱۲۹/۱۵) آل عمران (۱۶۴/۱۷) جمعه (۲/۱) .

۱۴ـ وَلٰكِنْ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ تنها در سوره آل عمران (۱۱۷/۱۲) آمده ودر تمام موارد دیگر وَلٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ می باشد نگاه کنید سوره بقره (۵۷/۶) اعراف (۱۶۰/۲۰) توبه (۷۰/۹) نحل (۳۳/۴) و (۱۱۸/۱۵) عنکبوت (۴۰/۴) و روم (۹/۱) .

۱۵ـ هٰاَنْتُمْ اُولَآءِ تنها در آل عمران (۱۱۹/۱۲) آمده و در سه مورد دیگر

هــاَنْتُمْ هٰـؤُلآءِ آمده کـه عبارت انـد از آل عـمـران (۶۶/۷) سـوره نسـاء (۱۰۹/۱۶) محمد (۳۸/۴).

۱۶ـ مُنْزَلِیْنَ به فتح «ز» تنها در آل عمران (۱۲۴/۱۳) آمده و در جاهای دیگر «مُنْزِلِیْنَ» و مُنْزِلُوْنَ بکسر «ز» است نگاه کنید سورهٔ عنکبوت (۳۴/۴) و یس (۲۸/۲) وغیره.

۱۷ـ (وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِیْنَ) به ضم تا تنها در سوره آل عـمران (۱۳۸/۱۴) آمده است و در سه جای دیگر (مَوْعِظَةً) به فتح تا آمده،نگاه کنید سوره بقره (۶۶/۸) مائده (۴۶/۷) ونور (۳۴/۴).

۱۸ـ یَااَیُّهَا الَّذِیْنَ اُتُوالْکِتٰبَ فقط در سوره نساء (۴۷/۷) (وَیَااَیُّهَا الَّذِیْنَ کَفَرُوا) تنها سوره تحریم (۷/۱) آمده و در موارد دیگر (یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا) است که در تمام قرآن هشتاد و هشت با ر آمده است.

۱۹ـ اِلاَّ قَلِیلٌ مِنْهُمْ به ضم لام فقط در سوره نسـاء (۶۶/۹) آمـده و در جاهای دیگر (اِلاَّ قَلِیلاً مِنْهُمْ) به فتح لام است نگاه کنید بقره (۲۴۶/۳۲) و (۲۴۹/۳۳) و غیره.

۲۰ـ تَأْلَمُوْنَ وَیَأْلَمُوْنَ تنها در سوره نساء (۱۰۴/۱۵) آمده که دو مورد آنها با «ت» و یکی با«ی» است و در بقیه قرآن یَعْلَمُوْنَ یا تَعْلَمُوْنَ بچشم می خورد نگاه کنید، اعراف (۲۸/۳) و (۳۳/۴) و غیره.

۲۱ـ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْکَ وَرَحْمَتُهُ تنها در سـوره نسـاء (۱۱۳/۱۷) آمـده ودر جاهای دیگر «عَلَیْکُمْ» آمده است نگاه کنید سـوره بـقره (۶۴/۸) ونسـاء (۸۳/۱۱) نور (۱۰/۱)، (۱۴/۲)، (۲۱/۳).

۲۲ـ اُولٰئِکَ هُمُ الْکٰفِرُوْنَ حَقًّا تنهایک جا در سورهٔ نساء (۱۵۱/۲۱) آمده و در جاهای دیگر مانندسوره‌انفال (۴/۱) و (۸۴/۱۰) «اُولٰئِکَ هُمُ الْـمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا»است.

۲۳- «ثُمَّ اتَّخَذُواالعِجلَ »تنها یکجا در سوره نساء (۱۵۳/۲۲) آمده و در بقیه موارد مانند سوره بقره (۵۱/۶) و (۹۲/۱۱) «ثُمَّ اتَّخَذتُمُ العِجلَ »است ودر سوره اعراف (۱۵۲/۱۹) می خوانیم (اِنَّ الَّذِینَ اتَّخَذُواالعِجلَ).

۲۴- بعد از کلمه «لِلکٰفِرِینَ» و «لِلظّٰلِمِینَ» متصلاً «عَذَاباً مُّهِیناً»یا«اَلِیماً» می آید نگاه کنید سوره نساء (۳۷/۶) فرقان (۳۷/۴) و غیره فقط در سوره نساء (۱۶۱/۲۲) مـــی خوانـــیم لِـــلْکٰفِرِینَ مِـنهُمْ عَـذَاباً اَلِـیماً یـعنی کلمهٔ «مِنهُمْ»فاصل است.

۲۵- یَبتَغُونَ فَضلاً مِن رَّبِّهِمْ وَرِضوَاناً تنها در سوره مائده است ودر دو مورد دیگر یعنی سوره فتح (۲۹/۴) حشر (۸/۱) بجای «مِن رَّبِّهِمْ»کلمه «مِنَ اللّٰهِ» می آید.

۲۶-کلمه ذَکَّیتُمْ تنها در سوره مائده با حرف ذال آمده و بقیه کلماتی که با آن مشابه هستند مثل زَکّٰهَا- وَزَکٰوةً- وَیُزَکِّیهِمْ - تَزَکّٰی- یَتَزَکّٰی - یَزَّکّٰی- همه به حرف «ز» هستند.

۲۷- وَعَلَی اللّٰهِ فَتَوَکَّلُوا اِن کُنتُمْ مُّؤمِنِینَ تنها در سوره مائده (۲۳/۴) آمده و در بقیه موارد «وَعَلَی اللّٰهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤمِنُونَ »می باشد نگاه کنید آل عـمران (۱۲۲/۱۳) و (۱۶۰/۱۷) ومـائده (۱۱/۲) و تـوبه (۵۱/۷) وابراهـیم (۱۲/۲) و مجادله (۱۰/۲) و تغابن (۱۳/۲) ودر سوره ابراهیم (۱۱/۲) «وَعَلَی اللّٰهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ»ویوسف«(۶۷/۸) «عَلَیهِ تَـوَکَّـلتُ وَعَـلَیهِ فَـلْیَتَوَکَّـلِ الْمُتَوَکِّلُونَ »ودر زمر (۳۸/۴)«عَلَیهِ یَتَوَکَّلُ الْمُتَوَکِّلُونَ»می خوانیم.

۲۸- لِیَفتَدُوابِه تنها در مائده (۳۶/۶) آمده و در بقیه موارد مانند: سوره رعد (۱۸/۲) زمر (۴۷/۵) لَافتَدَوا بِهٖ است و در یـونس (۵۴/۶) «لَافـتَدَتْ بِه»است.

۲۹- یَـغفِرُوَیُعَذِّبُ در پـنج مـحل بـاهم آمـده انـد کـه عـبارتند از بـقره

(۲۸۴/۴۰) آل عمران (۱۲۹/۱۳) مائده (۱۸/۳) و (۴۰/۶) فتح (۱۴/۲) واز این پنج مورد تنها در سوره مائده (۴۰/۶) «يُعَذِّبُ» جلوتر از «وَيَغْفِرُ» آمده و در چهار مورد دیگر اول «يَغْفِرُ» وبعد «يُعَذِّبُ» می آید. و در سوره بقره «فَيَغْفِرُ» با «ف» و در عنکبوت (۲۱/۲) بعد از «يُعَذِّبُ» «يَرْحَمُ» آمده یعنی در آنجا «يَغْفِرُ» نیست نه در اول و نه در آخر.

۳۰ـ إِنَّ اللَّهَ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ تنها در سوره مائده (۶۷/۱۰) آمده ودر موارد دیگر «وَاللّٰهُ لاَيَهْدِي» می باشد. ملاحظه شود سورهٔ بقره (۲۶۴/۳۶) توبه (۳۷/۵).

۳۱ـ وَالصّٰبِئُونَ تنها در سوره مائده (۶۹/۱۰) ودر مورد دیگر یعنی (۶۲/۸) وحج (۱۷/۲) وَالصّٰبِئِيْنَ آمده.

۳۲ـ وَصِيلَةٍ با «ص» تنها یک مورد در سوره مائده (۱۰۳/۱۴) آمده ودر هر جای دیگر «اَلْوَسِيلَةَ» با «س» آمده است ،نگاه کنید سوره مائده (۳۵/۶) اسراء (۵۷/۶).

۳۳ـ اَلَّذِيْنَ كَفَرُوا يَفْتَرُوْنَ تنها در سورهٔ مائده (۱۰۳/۱۴) آمده و در موارد دیگر اَلَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ است ،نگاه کنید سوره یونس (۶۹/۷) و نحل (۱۱۶/۱۵) وغیره.

۳۴ـ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هٰذَا ـ فقط در سورهٔ مائده (۱۱۰/۱۵) آمده و در موارد دیگر كَفَرُوا إِنْ هٰذَا آمده بدون «مِنْهُمْ» نگاه کنید سوره انعام (۷/۱) هود (۷/۱) وفرقان (۴/۱).

۳۵ـ لاَمُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ تنها در سوره انعام (۳۴/۴) آمده و در موارد دیگر لاَمُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهِ آمده است نگاه کنید سوره انعام (۱۱۶/۱۴) کهف (۲۷/۴).

۳۶ـ تنها در سوره انعام (۶۰/۷) می آید ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ و در سوره یونس (۲۳/۳) فَنُنَبِّئُكُمْ و عنکبوت (۸/۱) و لقمان (۱۵/۲) فَأُنَبِّئُكُمْ و در سوره

لقمان (۲۳/۳) فَنُنَبِّئُهُمْ می خوانیم و سوای این پنج مورد در جاهای دیگر فَيُنَبِّئُكُمْ (يا) فَيُنَبِّئُهُمْ یاثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ است نگاه کنید سوره انعام (۱۰۸/۱۳) و (۱۵۹/۲۰) زمر (۷/۱) مجادله (۶/۱) و (۷/۲) و غیره توجه داشته باشید که در این جا مواردی ذکر شد که بعد از آنها بِمَا كُنتُمْ یابِمَا كَانُوا يا بِمَا عَمِلُواآمده.

۳۷ـ تنها در انعام (۸۷/۱۰) می خوانیم وَمِنْ اٰبَائِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ ودر مواردی دیگر من اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ آمده است.

۳۸ـ تنها در سوره انعام (۹۰/۱۰) می خوانیم اِلاَّ ذِكْرٰى لِلْعٰلَمِينَ و در جاهای دیگر اِلاَّ ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِينَ آمده نگاه کنید سوره یوسف (۱۰۴/۱۱) ص (۸۷/۵) قلم (۵۲/۲) و تکویرآیه (۲۷).

۳۹ـ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ تنها در سوره انعام (۹۶/۱۲) آمده وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ با (تا) تنها در آل عمران (۲۷/۳) و در یونس (۳۱/۴) روم (۱۹/۲) وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ با (یا) می باشد.

۴۰ـ تنها در سوره انعام (۱۰۰/۱۲) می خوانیم اِنَّ فِى ذٰلِكُمْ و در بقیه موارد اِنَّ فِى ذٰلِكَ آمده است.

۴۱ـ بِالْمُعْتَدِينَ تنها در سورۀ انعام (۱۲۰/۱۴) آمده و در جاهای دیگر بِالْمُهْتَدِينَ می باشد نگاه کنید: سورۀ انعام (۱۱۸/۱۴) ونحل (۱۲۵/۱۶) وقصص (۵۶/۶) قلم (۷/۱) و غیره.

۴۲ـ اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلاَّ الظَّنَّ وَاِنْ اَنْتُمْ تنها در سورۀ انعام (۱۴۸/۱۸) آمده ودر موارد دیگر مانند انعام (۱۱۶/۱۴) یونس (۶۶/۷) اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلاَّ الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ آمده و در نجم (۲۳/۱) و (۲۸/۲) تنها اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلاَّ الظَّنَّ بدون «اِنْ هُمْ» آمده.

۴۳ـ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ كٰفِرُوْنَ تنها در سورۀ اعراف (۴۵/۵) ودر بقیه موارد هُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ آمده است نگاه کنید :سورۀ هود (۱۹/۲) یوسف (۳۷/۵) نمل

(۳/۱) لقمان (۴/۱) فصّلت (۷/۱) اما در نمل و لقمان بجای کَفِرُونَ ـ يُوقِنُونَ می خوانیم و در سورهٔ بقره (۴/۱) می خوانیم «وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ».

۴۴ـ لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا تنها در اعراف (۵۱/۶) آمده و در بقیه موارد لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا است نگاه کنید: سورهٔ انعام (۱۳۱/۱۶) الم السجده (۱۴/۲) زمر (۷۱/۸) جاثیه (۳۴/۴).

۴۵ـ لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا ـ تنها در اعراف (۵۹/۸) آمده و در بقیه موارد وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا می باشد ملاحظه فرماید: سورهٔ هود (۲۵/۳) مؤمنون (۲۳/۲) حدید (۲۶/۴) عنکبوت (۱۴/۲) باید دانست که این قاعده تنها با کلمهٔ «نُوحًا» است و گرنه در سورهٔ نحل (۶۳/۸) حدید (۲۵/۳) نیز لَقَدْ اَرْسَلْنَا آمده است خلاصه اینکه لَقَدْ اَرْسَلْنَا همراه با کلمه نُوحًا تنها یک جا است و مطلقا «لَقَدْ اَرْسَلْنَا» در سه جا آمده و در بقیه موارد «وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا» با «واو» آمده است.

۴۶ـ «وَمَاكَانَ جَوَابَ» تنها در اعراف (۸۲/۱۰) آمده و در بقیه موارد فَمَاكَانَ جَوَابَ آمده.

۴۷ـ «تُوْعِدُوْنَ» (به کسرعین) تنها در سورهٔ اعراف (۸۶/۱۱) آمده و در تمام موارد دیگر «تُوعَدُوْنَ» (به فتح عین) می آید. ملاحظه شود سورهٔ فصّلت (۳۰/۴) ذاریات (۲۲/۱) وغیره.

۴۸ـ اَلْغٰفِرِيْنَ با «ر» تنها در سورهٔ اعراف (۱۵۵/۱۹) آمده و در تمام موارد دیگر «غٰفِلِيْنَ» یا «اَلْغٰفِلِيْنَ» با (الف و لام) آمده است. نگاه کنید سورهٔ انعام (۱۵۶/۲۰) یوسف (۳/۱) و غیره.

۴۹ـ أَجْرَالْمُؤْمِنِيْنَ تنها در آل عمران (۱۷۱/۱۷) آمده و «اَجْرَالْمُصْلِحِيْنَ» در سورهٔ اعراف (۱۷۰/۲۱) و در تمام موارد دیگر «اَجْرَالْمُحْسِنِيْنَ» آمده ملاحظه شود. در سورهٔ توبه (۱۲۰/۱۵) هود (۱۱۵/۱۰) یوسف

(۵۶/۷) وغیره.

۵۰ـ بِالْعُرْفِ تنها در اعراف (۱۹۹/۲۴) آمده و در تمام جاهای دیگر بِالْمَعْرُوفِ می آید. نگاه کنید: سورهٔ بقره (۱۷۸/۲۲) آل عمران (۱۰۴/۱۱) ـ(۱۱۰/۱۲) توبه (۷۱/۹) و (۱۱۲/۱۴) و غیره.

۵۱ـ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ به ضم «ة» تنها در سورهٔ اعراف (۲۰۳/۲۴) آمده «وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُونَ» در سورهٔ جاثیه (۲۰/۲) آمده ودر موارد دیگر «رَحْمَةً» به فتح «ة» آمده ملاحظه فرماید: سورهٔ اعراف (۵۲/۶) یوسف (۱۱۱/۱۲) نحل (۶۴/۸) این علامت در صورتی است که همراه با (لِقَوْمٍ يُومِنُونَ) بیاید.

۵۲ـ إِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ تنها در سورهٔ توبه (۲۸/۴) است و در بقیه سیزده مورد دیگر «وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ »می آید.

۵۳ـ يَجْمَحُوْنَ تنها در سورهٔ توبه (۵۷/۷) آمده و در موارد دیگر ـ يَجْمَعُوْنَ یا تَجْمَعُوا آمده است ملاحظه شود سورهٔ آل عمران (۱۵۷/۱۷) یونس (۵۸/۶) وزخرف (۳۲/۳) نساء (۲۳/۴).

۵۴ـ خَيْرٍ لَّكُمْ تنها در یک جا در سورهٔ توبه (۶۱/۸) آمده است وخَيْرًا لَّكُمْ در دو جای از سورهٔ نساء (۱۷۰/۲۳) آمده است و در همه موارد دیگر خَيْرٌ لَّكُمْ است نگاه کنید سورهٔ بقره (۵۴/۶) (۱۸۴/۲۳) و (۲۸۰/۳۸) نور (۲۷/۴) صف (۲۷/۴) و جمعه (۹/۲) و غیره.

تنبیه: کلمهٔ (خَيْرٌ لَّهُمْ) در هیچ جای قرآن نیامده است.

۵۵ـ أَنْ تُنَزَّلَ به فتح (ز) تنها در سورهٔ توبه (۶۴/۸) آل عمران (۹۳/۱۰) آمده است و در تمام موارد دیگر به کسر «ز» آمده است وملاحظه شود سورهٔ نساء (۱۵۳/۲۲) وغیره و «أَنْ يُنَزِّلَ» تنها در سورهٔ بقره (۱۰۵/۱۳) روم (۴۹/۵) آمده و در تمام جاهای دیگر به کسر «ز» آمده است نگاه

کنید. سورهٔ بقره (۱۱/۹۰) مائده (۱۱۲/۱۵) انعام (۳۷/۴) و غیره.

۵۶- «مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا اَشَدَّ مِنكُمْ» تنها در سورهٔ توبه (۶۹/۹) آمده و در تمام جاهای دیگر «مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا اَشَدَّ مِنهُمْ» آمده نگاه کنید سورهٔ روم (۹/۱) و در فاطر (۴۴/۵) «وَكَانُوا» است و در مؤمن (۲۱/۳) كَانُوا هُمْ اَشَدَّ ودر همان سورهٔ (۷۴/۹) كَانُوا اَكْثَرَ آمده است.

۵۷- تَحْتَهَا الاَنْهٰرُ- تنها در سورهٔ توبه (۱۰۰/۱۳) آمده و درتمام جاهای دیگر «مِن تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ» آمده است برای مثال نگاه کنید: سورهٔبقره (۲۵/۳) آل عمران (۱۵/۲) و (۱۹۸/۲۰) نساء (۱۳/۲) و (۵۷/۸) و (۱۲۲/۱۸) ولی در اعراف (۴۳/۵) یونس (۹/۱) کهف (۳۱/۴) مِن تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰر آمده است.

۵۸- اِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْمُجْرِمُوْنَ -تنها در سورهٔ یونس (۱۷/۲) آمده و «اِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْكٰفِرُوْنَ» در سورهٔ مؤمنون (۱۱۷/۶) و «اِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الْكٰفِرُوْنَ» در سورهٔ قصص (۸۲/۸) و در تمام موارد دیگر یعنی سورهٔ انعام (۲۱/۳) و (۱۳۶/۱۶) یوسف (۲۳/۳) قصص (۳۷/۴) «لاَيُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ» است.

۵۹- وَمِنْهُمْ مَنْ يَّسْتَمِعُوْنَ تنها در یونس (۴۲/۵) آمده ودر انعام (۲۵/۳) محمد (۱۶/۲) مَنْ يَّسْتَمِعُ می آید.

۶۰- اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِى الاَرْضِ - تنها در سورهٔ یونس (۶۶/۷) آمده و دریونس (۵۵/۶) نور (۶۴/۹) اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضِ آمده.

۶۱- وَاجْعَلُوابه سکون «ج» تنها در سورهٔ یونس (۸۷/۹) است ودر تمام موارد دیگر «وَجَعَلُوا» به فتح «ج» می آید. بنگرید سورهٔ انعام (۱۰۰/۱۲). (۱۳۶/۱۶) زخرف (۱۵/۱) وغیره.

۶۲- اِذًا مِّنَ الظّٰلِمِيْنَ تنها در سورهٔ یونس (۱۰۶/۱۱) آمده و در تمام موارد دیگر «اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ» می آید. برای مثال بنگرید سورهٔ بقره (۱۴۵/۱۷)

مائده (۱۰۷/۱۴) هود (۳۱/۳) و غیره.

۶۳- وَمَآ اَنَا عَلَیْکُمْ بِوَکِیْلٍ تنها در یونس (۱۰۸/۱۱) ودرانعام (۱۰۷/۱۳) وزمر (۴۱/۴) شوری (۶/۱) وَمَآ اَنْتَ عَلَیْهِمْ بِوَکِیْلٍ می باشد.

۶۴- اِلاَّ الَّذِیْنَ صَبَرُوْا وَعَمِلُوالصّٰلِحٰتِ. تنها در سورهٔ هود (۱۱/۲) آمده ودر تمام جاهای دیگر اِلاَّ الَّذِیْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوالصّٰلِحٰتِ آمده است. بنگرید ص (۲۴/۲) وانشقاق و التین و العصر و جاهای دیگر.

۶۵- اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا- در تمام قرآن یک جابا (تنوین) رفع «ذال» آمده یعنی درسورهٔ هود (۵۶/۵).

۶۶- اِنَّ رَبَّکَ عَلِیْمٌ حَکِیْمٌ- تنها در سورهٔ یوسف (۶/۱) آمده و در تمام جاهای دیگر حَکِیْمٌ عَلِیْمٌ می آید چه قبل از آن «اِنَّ رَبَّکَ» باشد یا «اِنَّهٗ» برای مثال بنگرید انعام (۸۴/۱۰) و (۱۲۹/۱۵) و (۱۴۰/۱۶) وحجر (۲۵/۲)

۶۷- بِاَخٍ لَّکُمْ با تنوین جر تنها یک جا در سورهٔ یوسف (۵۹/۸) آمده.

۶۸- اُکُلُهَا به ضم «لام» تنها یک جا در سورهٔ رعد (۳۵/۵) آمده و در تمام جاهای دیگر «اُکُلَهَا» به فتح «لام» آمده بنگرید: سورهٔ بقره (۲۶۵/۳۶) وابراهیم (۲۵/۴) کهف (۳۳/۵).

۶۹- الْقٰنِطِیْنَ با «ط» فقط در سورهٔ حجر (۵۵/۴) آمده و در جاهای دیگر «قٰنِتُوْنَ» یا «قٰنِتِیْنَ» با «تا» آمده است، برای مثال بنگرید: سورهٔ بقره (۱۱۶/۱۴)، (۲۳۸/۳۱) و روم (۲۶/۳) و تحریم (۱۲/۲).

۷۰ - جَنّٰتُ عَدْنٍ یَّدْخُلُوْنَهَا تَجْرِیْ فقط در نحل (۳۱/۴) آمده و کهف (۳۱/۴) وهمچنین در سورهٔ «بیّنه» جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِیْ است. یعنی در و سط یَدْخُلُوْنَهَا نیامده است.

۷۱- اِنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لاَ تَعْلَمُوْنَ فقط در سورهٔ نحل (۷۴/۱۰) آمده است و

در جاهای دیگر وَاللّٰهُ يَعْلَمُ است . بنگرید : بقره (۲۱۶/۲۶) و (۲۳۲/۳۰) و نور (۱۹/۲) وغیره و در نحل (۱۹/۱۳) إِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ آمده آن هم فقط یک مورد .

۷۲ـ كَلٌّ به فتح کاف، فقط در سورهٔ نحل (۷۶/۱۰) آمده و در تمام موارد دیگر به ضم کاف است بنگرید : بقره (۱۱۶/۱۴) و انبیاء و روم ویس (۴۰/۳) و جاهای دیگر .

۷۳ـ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ تنها در سورهٔ نحل (۷۸/۱۱) آمده واز سورهٔ مؤمنون (۷۵/۵) و الم سجده (۹/۱) و ملک (۲۳/۲) وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلاً مَّا تَشْكُرُونَ است .

۷۴ـ فَلاَيُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلاَهُمْ فقط در سورهٔ نحل (۸۵/۱۲) آمده وبقره (۸۶/۱۰) و (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلاَهُمْ است یعنی در وسط کلمه اَلْعَذَابُ اضافه است .

۷۵ـ مَاكُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ تنها در سورهٔ نحل (۹۲/۱۳) آمده است و در تمام موارد دیگر «بِمَاكُنْتُمْ» یا «فِيمَاكُنْتُمْ» است بنگرید مائده (۴۸/۷) وانعام (۱۶۴/۲۰) و حج (۶۹/۹) و غیره .

۷۶ـ وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ فقط در سوره نحل (۱۱۴/۱۵) آمده است ودر تمام موارد دیگر «اُذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ» است بنگرید آل عمران (۱۰۳/۱۱) و مائده (۷/۲) و (۲۰/۴) ابراهیم (۶/۱) وغیره .

۷۷ـ مُعَذِّبِينَ به کسر ذال فقط در سورهٔ اسراء (۱۵/۲) آمده و در جاهای دیگر به فتح ذال است مانند شعراء (۲۱۳/۱۱) و غیره .

۷۸ـ مِنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فقط در سوره اسراء (۹۱/۱۰) آمده است ودر تمام جاهای دیگر مِنْ نَّخِيلٍ وَّأَعْنَابٍ است بنگرید : بقره (۲۶۶/۳۶) ومؤمنون (۱۹/۱) و یس (۳۴/۳) وغیره .

۷۹- لَوْ اَنْتُمْ فقط در سوره بنی اسرائیل (۱۱/۱۰۰) آمده و در جاهای دیگر لَوْ كُنْتُمْ آمده است بنگرید آل عمران (۱۵۴/۱۶) و نوح (۴/۱) وغیره.

۸۰ - اَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكٰفِرِيْنَ فقط در سورهٔ کهف (۱۰۲/۱۲) آمده و در جاهای دیگر اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ یا اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِيْنَ است. بدون کلمه «جهنم» بنگرید: نساء (۱۵۱/۲۱) و (۱۶۱/۲۲) وفرقان (۳۷/۴) و فتح (۱۳/۲) وغیره.

فائده: زُبَر به فتح باء فقط در سورهٔ کهف (۹۶/۱۱) آمده و در جاهای دیگر زُبُر به ضم باء آمده، مانند شعرَاء (۱۹۶/۱۱) وقمر (۵۳/۳) و مؤمنون (۵۳/۴) و غیره.

۸۱- وَمَا اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ، انبیاء (۷/۱) وفرقان (۲۰/۲) آمده ودر سباء (۴۴/۵) وَمَا اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمْ قَبْلَكَ است ودر بقیه موارد مانند یوسف (۱۰۹/۱۲) و نحل (۴۳/۶) وانبیاء (۲۵/۲) حج (۵۲/۷) وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ آمده است.

۸۲- يَفْتَرُوْنَ به ضم تاء فقط در سورهٔ انبیاء (۲۰/۲) آمده و در بقیه موارد به فتح تا آمده بنگرید یونس (۳۰/۳) و (۶۹/۷) و هود (۲۱/۲) ونحل (۱۱۶/۱۵) وغیره.

۸۳- اَلصُّمُّ الدُّعَآءَ به ضم «م» فقط در سورهٔ انبیاء (۴۵/۴) آمده است ودر سورهٔ های نمل (۸۰/۶) و روم (۵۲/۵) به فتح میم آمده است.

۸۴- يُنْذَرُوْنَ با ذال فقط در سورهٔ انبیاء (۴//۴۵) آمده و در بقیه موارد دیگر باظاء است نگاه کنید (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) و نحل (۸۵/۱۲) و انبیاء (۴۰/۳) و غیره.

۸۵- لَعَلَّهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ فقط در سورهٔ انبیاء (۵۸/۵) آمده و در تمام موارد

دیگر لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُوْنَ است نگاه کنید، سورهٔ یوسف (۶۲/۸) و الم سجده (۲۱/۲) و غیره.

۸۶ـ قَوْمَ سَوْءٍ فٰسِقِیْنَ فقط در سورهٔ انبیاء (۷۴/۵) آورده و در بقیه موارد قَوْمًا فٰسِقِیْنَ است نگاه کنید. سورهٔ توبه (۵۳/۷) نمل (۱۲/۱) قصص (۳۲/۴) ذاریت (۴۶/۲) وغیره.

۸۷ـ اٰتَیْنَا حُکْمًا وَّعِلْمًا فقط در سورهٔ انبیاء (۷۹/۶) آمده ودر تمام موارد دیگر «اٰتَیْنٰهُ حُکْمًا وَّعِلْمًا»است نگاه کنید.سورهٔ یوسف (۲۲/۳) انبیاء (۷۴/۵) قصص (۱۴/۲) وغیره.

۸۸ـ صِرَاطِ الْحَمِیْدِ فقط در سورهٔ حج (۲۴/۳) آمده و در موارد دیگر صِرَاطِ الْعَزِیْزِ الْحَمِیْدِاست نگاه کنید: سورهٔابراهیم (۱/۱) و سبا (۶/۱) وغیره.

۸۹ـ فَکَاَیِّنْ با«ف» فقط در سورهٔ حج (۴۵/۶) آمده و در شش مورد دیگروَکَاَیِّنْ بدون «ف» آمده که عبارتند از سورهٔ آل عمران (۱۴۶/۱۵) یوسف (۱۰۵/۱۲) حج (۴۹/۶) عنکبوت (۶۰/۶) محمد (۱۳/۲) طلاق (۸/۲).

۹۰ـ وَعَدَهَااللّٰهُ الَّذِیْنَ فقط در سورهٔ حج (۷۲/۹) آمده ودر جاهای دیگر وَعَدَاللّٰهُ الَّذِیْنَ آمده نگاه کنید: سورهٔ مائده (۹/۲) نور (۵۵/۷) فتح (۲۹/۴).

۹۱ـ مَاقَدَرُوااللّٰهَ بدون حرف (و) فقط در سورهٔ حج (۷۴/۱۰) آمده و د رانعام (۹۱/۱۱) وزمر (۶۷/۷) «وَمَا قَدَرُوااللّٰهَ »با «واو»است.

۹۲ـ وَلَهُ اخْتِلَافُ الَّیْلِ به ضم «ف» تنها در سورهٔ مؤمنون (۸۰/۵) آمده ودر تمام موارد دیگر به کسر «ف» آمده نگاه کنید سورهٔ بقره (۱۶۴/۲۰) وآل عمران (۱۹۰/۲۰) یونس (۶/۱) و جاثیه (۵/۱) وغیره.

۹۳ـ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَايَشَآءُفقط در سورهٔ نور (۴۵/۶) آمده و در تمام موارد دیگر يَخْلُقُ مَايَشَآءُاست .نگاه کنید : سورهٔ آل عمران (۴۷/۵) قصص (۶۸/۷) روم (۵۴/۶) زمر (۴/۱) و غیره.

۹۴ـ آمَنُوامِنكُمْ وَعَمِلُوالصّٰلِحٰتِ فقط در سورهٔ نور (۵۵/۷) آمده ودر جاهای دیگر بدون کلمه مِنكُمْ آمده است .

۹۵ـ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُهمراه با لام فقط در سورهٔ نور (۵۷/۷) آمده وفَبِئْسَ الْمَصِيرُ با«ف» فقط در سورهٔ مجادله (۸/۲) آمده و در موارد دیگروَ بِئْسَ الْمَصِيرُاست با«واو» نگاه کنید : سورهٔ بقره (۱۲۶/۱۵) آل عمران (۱۶۲/۱۷) انفال (۱۶/۲) حدید (۱۵/۲) و ملک (۶/۱) تغابن (۱۰/۲) و غیره .

۹۶ـ وَعَمِلَ عَمَلاً صَالِحاًفقط در اولین مورد فرقان (۷۰/۶) ودر موارد دیگر عَمِلَ صَالِحاً بدون کلمهٔ «عَمَلاً» آمده نگاه کنید : سورهٔ نحل (۹۷/۱۳) مریم (۶۰/۴) فصّلت (۴۶/۶) جاثیه (۱۵/۲) فرقان (۷۱/۶).

۹۷ـ تَابَ وَعَمِلَ فقط در دومین مورد سورهٔ فرقان (۷۱/۶) آمده ودر موارد دیگر «تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ» می آید بنگرید سورهٔ مریم (۶۰/۴) طه (۸۲/۴) فرقان (۷۰/۶).

۹۸ـ إِذْ قَالَ مُوسَى بدون «واو» فقط در سورهٔ نمل (۷/۱) آمده و در تمام موارد دیگر «وَإِذْ قَالَ مُوسَى » آمده نگاه کنید : سورهٔ بقره (۵۴/۶) مائده (۲۰/۴) ابراهیم (۶/۱) کهف (۶۰/۹) و غیره.

۹۹ـ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ فتح لام فقط در سورهٔ نمل (۱۵/۲) آمده است ودر سه مورد دیگریعنی سورهٔاعراف (۴۳/۵) فاطر (۳۴/۴) زمر (۷۴/۸) و قَالُوالْحَمْدُبه ضم لام آمده است .

۱۰۰ـ عَرْشٌ به تنوین رفع در سورهٔ نمل (۲۳/۲) آمده .

۱۰۱ـ اَمَّا يُشرِكُونَ با همزه فقط در سورهٔ نمل (۵۹/۵) آمده و در جاهای دیگر عَمَّا يُشرِكُونَ با عین می آید نگاه کنید: سورهٔ یونس (۱۸/۲) نحل (۱/۱) دو مرتبه روم (۴۰/۴).

۱۰۲ـ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ در سورهٔ اعراف (۸۴/۱۰) نمل (۶۹/۶) وَعَاقِبَةُ الظّٰلِمِينَ سورهٔ یونس (۳۹/۴) قصص (۴۰/۴) وَعَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ در سورهٔ اعراف (۸۴/۱۱) (۱۰۳/۱۳) نمل (۱۴/۱) وَعَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ در سورهٔ یونس (۷۳/۸) صٰفّٰت (۷۳/۲) وَعَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ در سورهٔ آل عمران (۱۳۷/۱۴) انعام (۱۱/۲) زخرف (۲۵/۲) و نحل (۳۶/۵) آمده است.

۱۰۳ـ «وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى اُمِّ مُوْسٰى» فقط در سورهٔ قصص (۷/۱) آمده و در تمام موارد دیگراَوْحَيْنَااِلٰى مُوْسٰى می آید. نگاه کنید: سورهٔ اعراف (۱۱۷/۱۴) ـ (۱۶۰/۲۰) طه (۷۷/۴) و غیره.

۱۰۴ـ وَزِيْنَتُهَابه ضم تا فقط در سورهٔ قصص (۶۰/۶) آمده ودر موارد دیگر به فتح «تا» آمده است نگاه کنید: سورهٔ هود (۱۵/۲) احزاب (۲۸/۴) وغیره.

۱۰۵ـ اَلَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فقطْ در سورهٔ قصص (۷۳/۷) ودر جاهای دیگر اَلَّيْلَ لِتَسكُنُواْ «یا» لِيَسكُنُواآمده است نگاه کنید: سورهٔ یونس (۶۷/۷) مؤمن (۶۱/۷) نمل (۸۶/۷).

۱۰۶ـ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُدر سورهٔ قصص (۸۲/۸) و«مِنْ عِبَادِهٖ يَقْدِرُ لَهٗ »در سورهٔ عنکبوت (۶۲/۶) و سبا (۳۹/۵) آمده است ودر بقیه شش جای دیگر «لِمَنْ يَشَآءُ يَقْدِرُ»است بدون «مِنْ عِبَادِهٖ»وبدون «لَهٗ» كه عبارتند از: رعد (۲۶/۳) و اسراء (۳۰/۳) روم (۳۷/۴) وسبا (۳۶/۴) زمر (۵۲/۵) و شوری (۱۲/۲).

۱۰۷ـ يَصُدُّنَّكَ به ضم دال فقط در سورهٔ قصص (۸۷/۹) آمده است و

در بقیه موارد به فتح «د» می آید بنگرید سورهٔ طه (۱۷/۱) و زخرف (۲۶/۶) ولی در زخرف «لاَ يَصُدَّنَّكُمْ» به صيغه جمع آمده است.

۱۰۸ ـ وَمَاكَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ با و او فقط در سورهٔ عنکبوت (۴۰/۴) آمده و در توبه (۷۰/۹) و روم (۹/۱) فَمَاكَانَ اللّٰهُ است و در سورهٔ بقره (۵۷/۶) و اعراف (۱۶۰/۲۰) و آل عمران (۱۱۷/۱۲) و هود (۱۰۱/۹) و نحل (۳۳/۴) و (۱۱۸/۱۵) و زخرف (۷۶/۷) نیز آیاتی می آید که با این موارد شباهت دارند. تفاوتشان را بخاطر بسپارید.

۱۰۹ ـ لَوْلاَ أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ به صيغه جمع فقط در سورهٔ عنکبوت (۵۰/۵) آمده است و در موارد دیگر «آيَةٌ» و با صيغه مفرد می آید بنگرید. انعام (۳۷/۴) و رعد (۱/۷و۲۷/۴) و غیره و همانند لَوْلاَ أُنْزِلَ وَلَوْلاَنُزِّلَ در ده مورد زیر می آید: سورهٔ انعام (۱/۸و۳۷/۴) سورهٔ یونس (۲۰/۲) سورهٔ هود (۱۲/۲) سورهٔ رعد (۱/۷و۲۷/۴) سورهٔ فرقان (۱/۷و۲۱/۳) سورهٔ عنکبوت (۵۰/۵) سوره زخرف (۳۱/۳) فرق میان این موارد را بخوبی بخاطر بسپارید. در سورهٔ محمد (۲۰/۳) لَوْ لاَنُزِّلَتْ آمده است.

۱۱۰ ـ بعد از وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ فقط در سورهٔ عنکبوت (۶۱/۶) جملهٔ (وَسَخَّرَ الشمسَ وَالقَمَر) آمده است.

۱۱۱ ـ عَاقِبَةَ الَّذِينَ ـ به فتح «ت» فقط در سورهٔ روم (۱۰/۱) آمده و در بقیه موارد به ضم «ت» می باشد بنگرید سورهٔ روم (۹/۱) و فاطر (۴۴/۵) ومؤمن (۲۱/۳و۸۲/۹) و غیره.

۱۱۲ ـ بعد ازکلمهٔ «الرِّيَاحَ» فقط در سورهٔ روم (۴۶/۵) لفظ «مُبَشِّرَاتٍ» می آید و در موارد دیگرکلمه «بُشراً»می باشد، ملاحظه شود در سورهٔ اعراف (۵۷/۷) و فرقان (۴۸/۵) و نمل (۶۳/۵).

۱۱۳ ـ و اذا تُتلي عَليهِم آيٰتُنا ـ با (واو) و ضمير جمع «عليهم» در هفت مورد

زیر آمده‌است : انفال (۳۱/۴) یونس (۱۵/۲) مریم (۷۳/۵) سبا (۴۳/۵) جاثیه (۲۵/۳) احقاف (۷/۱) و در مورد اول از این هفت مورد کلمه «بَیِّنَاتٍ» وجود ندارد و در بقیه موجوداست و در سورهٔ لقمان (۷/۱) «عَلَيْهِ» به صیغه مفرد آمده و در سورهٔ مریم (۵۸/۴) «اِذَا تُتْلَى عليهم» بدون واو و در سورهٔ تطفیف و قلم «اِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ» به صیغه مفرد وبدون واو آمده است همچنین درباره (وَاِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ و عَلَيْهِ) یاد کردن این امر کافی است که هر گاه قبل از کلمهٔ «تُتْلَى »«اِذا» بیاید در این صورت بعد از آن «عَلَيْهِ» می‌آید سوای مریم (۵۸/۴) و اگر «وَاِذَا»باشد بعد از آن «عَلَيْهِمْ» می آید به استثنای لقمان (۷/۱) که علیه است .

۱۱۴ ـ يَجْرِیَ اِلَى اَجَلٍ مُّسَمًّى فقط در سورهٔ لقمان (۲۹/۳) آمده است ودر بقیه موارد (یعنی رعد (۲/۱) و فاطر (۱۳/۲) و زمر (۵/۱) يَجْرِی لِـاَجَلٍ مُّسَمًّى است .

۱۱۵ ـ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ ـفقط در سورهٔ الم سجد (۲۸/۳) آمده و در شش مورد دیگر «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ»آمده است، سوای کلمه«اَلْفَتْحُ»و«اَلْوَعْدُ» هر شش آیه در شش کلمه دیگرباهم موافق و یکسانند و این موارد عبارتند از یونس (۴۸/۵) و انبیاء (۳۸/۳) نمل (۷۱/۶) سبا (۲۹/۳) ویس (۴۸/۳) و ملک (۲۵/۲) .

۱۱۶ ـ وَجَعَلْنَامِنْهُمْ اَئِمَّةً فقط در سورهٔ الم سجده (۲۴/۳) آمده ودر انبیاء (۷۳/۵) و قصص (۴۱/۴) و جَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةًاست .

۱۱۷ ـ اَفَلَمْ يَرَوْاـ فقط در سورهٔ سبا (۹/۱) آمده و (اَلَمْ يَرَوْا) در پنج محل انعام (۶/۱) واعراف (۱۴۸/۱۸) نحل (۷۹/۱۱) نمل (۸۶/۷) یس (۳۱/۲) اَوَلَمْ يَرَوْا در دوازده مورد آمده است بنگرید : نحل (۴۸/۶) وعنکبوت (۱۹/۲) و (۶۷/۷) وملک (۱۹/۲) و غیره .

۱۱۸ـ افَلاَ يَعْقِلُونَ ـتنها در سورهٔ یس (۶۸/۵) آمده است و در ۱۳ مورد دیگر افلا تَعْقِلُونَ می آید ملاحظه شود: انعام (۳۲/۴) واعراف (۱۶۹/۲۱) و یوسف (۱۰۹/۱۲).

۱۱۹ـ (وذَلَّلْنٰهَا) باذال فقط در سورهٔ یس (۷۲/۵) آمده است و در مورد دیگر «ظَلَلْنَا» است بنگرید: بقره (۵۷/۶) و اعراف (۱۶۰/۲۰).

۱۲۰ـ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ در سورهٔ یونس (۱۹/۲) فِيمَا هُمْ فِيهِ در سورهٔ زمر (۳/۱) و در بقیه سه مورد دیگر فِيمَا كَانُوا فِيهِ است بنگرید: یونس (۹۳/۱۰) و الم سجده (۲۵/۳) زمر (۴۶/۵) جاثیه (۱۷/۲) و غیره این قاعده مخصوص کلمه «يَخْتَلِفُونَ» است و قبل از تَخْتَلِفُونَ همیشه «كُنْتُمْ» می آید بنگرید: آل عمران (۵۵/۶) مائده (۴۸/۷) انعام (۱۶۵/۲۰) نحل (۹۲/۱۳) و حج (۶۹/۹).

تذکر: لازم به یادآوری است که موارد ذکر شده مربوط به آخر آیه می باشند ولی جاهایی که کلمه «تَخْتَلِفُونَ» در وسط آیه می آید چون محل اشتباه نیست از ذکر آنها خود داری کردیم.

۱۲۱ـ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي فقط در سورهٔ زمر (۱۴/۲) آمده است «مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ» در زمر (۷/۱) و (۱۱/۲) آمده و در موارد دیگر «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» است بنگرید: اعراف (۲۹/۳) و مؤمن (۱۴/۲) و (۶۵/۷) و بینه آیه ۵ وغیره.

۱۲۲ـ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فقط در سورهٔ زمر (۴۱/۴) آمده و در موارد دیگر عَلَيْكَ الْكِتَابَ و اليكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ می باشد بدون کلمهٔ «لِلنَّاسِ» بنگرید: آل عمران (۳/۱) و نساء (۱۰۵/۱۶) و زمر (۲/۱) و غیره.

۱۲۳ـ رُسُلٌ مِنكُمْ يَتْلُونَ. فقط در سورهٔ زمر (۷۱/۸) می آید و در موارد دیگر رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ است ملاحظه شود انعام (۱۳۰/۱۶) واعراف (۳۵/۴).

۱۲۴ـ عَاقِبَةُ الَّذِیْنَ (کانوا) مِنْ قَبْلِهِمْ کَانُوْا (هُمْ) اَشَدَّ فقط در سورهٔ مومن (۲۱/۳) می باشدودر بقیه موارد دوکلمه «کَانُوْا وهُمْ»که داخل پرانتز هستند وجود ندارند بنگرید : سورهٔ روم (۹/۱) فاطر (۴۴/۵) و غیره و لی در سورهٔ فاطر «وکَانُوْا»آمده .

۱۲۵ـ جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ فقط در سورهٔ مؤمن (۲۱/۳) آمده و در موارد دیگر جَآءَهُمُ الْحَقُّ است بنگرید : یونس (۷۶/۸) قصص (۴۸/۵) زخرف (۳۰/۳) و غیره .

۱۲۶ـ وَصُدُّواسورهٔ رعد (۳۳/۵) وَصُدَّ سورهٔ مؤمن (۳۷/۴) در این مورد به ضم «ص» آمده و در بقیه موارد به فتح «ص» است مانند وَصَدُّوا۔ وفَصَدُّوا۔ وَصَدَّبنگرید :نساء (۱۶۷/۲۳) نمل (۴۳/۳) و (۲۴/۲) عنکبوت (۳۸/۴) محمد (۱/۱) و (۳۴/۴) وغیره .

۱۲۷ـ اَلَّذِیْنِ فقط در سورهٔ فصلت (۲۹/۴) آمده و در موارد دیگر اَلَّذِیْنَ است .

۱۲۸ـ غَفُوْرٍ رَحِیْمٍ فقط در سورهٔ فصلت (۳۲/۴) آمده است و در تمام موارد دیگرغَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ است .

۱۲۹ـ وَیَوْمَ یُنَادِیْهِمْ اَیْنَ شُرَکَآءِیَ فقط در سورهٔ فصلت (۴۸/۶) آمده ودر جاهای دیگر که عبارتند از سورهٔ قصص (۷۴/۷) و۶۵و۶۲) بعداز «وَیَوْمَ یُنَادِیْهِمْ» (فَیَقُوْلُ) نیز هست .

۱۳۰ـ وَلَوْ لَاکَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّکَ اِلٰی اَجَلٍ مُّسَمًّی لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ فقط در سورهٔ شوری (۱۴/۲) آمده است و در موارد دیگر اِلٰی اَجَلٍ مُّسَمًّی وجود ندارد و آن موارد عبارتند از سورهٔ یونس (۱۹/۲) هود (۱۱۰/۱۰) وفصلت (۴۵/۶) .

۱۳۱ـ وَیَعْفُ عَنْ کَثِیْرٍ فقط در سورهٔ شوری (۳۴/۴) آمده ودر موارد

دیگر «وَیَعْفُوا» باصیغهٔ جمع می آید بنگرید : مائده (۱۵/۳) شوری (۳۰/۴) .

۱۳۲ـ در سورهٔ شوری (۴۴/۵) بعداز وَمَنْ یُضْلِلِ اللّٰهُ «فَمَا لَهُ مِنْ وَلِیٍّ» آمده و در مورد دوم (آیه ۴۶) فَمَالَهُ مِن سَبِیْلٍ آمده و در چهار محل دیگر بعداز آن، «فَمَالَهُ مِنْ هَادٍ» آمده است که عبارتند از سورهٔ رعد (۳۳/۵) زمر (۲۳/۳) و (۳۶/۴) مؤمن (۳۳/۴).

۱۳۳ـ اِلٰی رَبِّنَالَمُنْقَلِبُوْنَ فقط در سورهٔ زخرف (۱۴/۱) آمده است و در موارد دیگر (اِلٰی رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْن) بدون لام مفتوح آمده است بنگرید : اعراف (۲۵/۱۴) و شعراء (۵۰/۳).

۱۳۴ـ سُخْرِیًّابه ضم «س» فقط در سورهٔ زخرف (۳۲/۳) آمده است ودر سورهٔ مؤمنون (۱۱۰/۶) و ص (۶۳/۴) سِخْرِیًّامی آید.

۱۳۵ـ یَصِدُّوْنَ به کسر «ص» فقط در سورهٔ زخرف (۵۷/۶) آمده و در جاهای دیگربه‌ضم«ص»می آیدبنگرید :آل‌عمران (۹۹/۱۰) اعراف (۴۶/۵) و (۸۶/۱۱) وهود (۱۹/۲).

۱۳۶ـ وَهُوَالْحَکِیْمُ الْعَلِیْمُ سورهٔ زخرف (۸۴/۷) اِنَّهُ هُوَ الْحَکِیْمُ الْعَلِیْم در سورهٔ ذاریت (۳۰/۲) آمده و در موارد دیگر «الْعَلِیْمُ الْحَکِیْمُ» آمده است واین همه بعد از «اِنَّهُ» وبعد از «وَهُوَ» می آید بنگرید : سورهٔ یوسف (۸۳/۱۰) و (۱۰۰/۱۱) وتحریم (۲/۱).

۱۳۷ـ کُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ در سوره نحل (۱۱۱/۱۵) وزمر (۷۰/۷) و کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ در سوره جاثیه (۷۲/۳) آمده است و دربقیه تمام موارد کُلُّ نَفْسٍ مَّا کَسَبَتْ است اما بشرطیکه بعداز «مَاکَسَبَتْ» وَهُمْ لَایُظْلَمُوْنَ بیاید .

۱۳۸ـ و غَرَّتْکُمُ الْحَیٰوةُ الدُّنْیَا یک جا در سوره جاثیه (۳۵/۴) آمده است و در تمام موارد دیگر و غَرَّتْهُمُ الْحَیٰوةُ الدُّنْیَاآمده است بنگرید : انعام (۷۰/۸) و اعراف (۱۵/۶).

۱۳۹ـ مِن ذَكَرٍوَّأُنثَى فقط در حجرات (۱۳/۲) آمده است و در بقیه موارد مِن ذَكَرٍاَوْ أُنثَى می باشد بنگرید: آل عمران (۱۹۵/۲۰) ونساء (۱۲۴/۱۸) نحل (۹۷/۱۳) و مؤمن (۴۰/۵).

۱۴۰ـ مَرْكُومٌ با «ک» فقط در سوره طور (۴۴/۲) آمده است و در سورهٔ تطفیف هر دو مورد با «ق» می باشند.

۱۴۱ـ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فقط در سوره طور (۴۸/۲) آمده ودر سورهٔ دهر (۲۴/۲) وقلم (۴۸/۲) با فا آمده یعنی «فاصبر».

۱۴۲ـ اَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى فقط در سوره نجم (۳۰/۲) آمده است و در بقیه تمام موارد دیگر «بِالْمُهْتَدِينَ» است و دریکجا «بِالْمُعْتَدِينَ» آمده است.

۱۴۳ـ ذَالِكَ خَيْرٌلَّكُمْ فقط در سورهٔ مجادله (۱۲/۲) آمده است و در موارد دیگر ذَالِكُمْ خَيْرٌلَّكُمْ می آید بنگرید بقره (۵۴/۶) و صف (۱۱/۲) وجمعه (۹/۲) وغیره.

۱۴۴ـ خٰلِدَيْنِ به فتح «د» وکسر «ن» فقط در سوره حشر (۱۷/۲).

۱۴۵ـ اَلْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَآءُ به ضم فقط در سوره ممتحنه (۴/۱) آمده است و در سورهٔ مائده (۱۴/۳) و (۶۴/۹) و (۹۱/۱۲) به فتح تا و همزه می آید.

۱۴۶ـ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفٰسِقِينَ فقط در سوره منافقون (۶/۱) آمده است و در موارد دیگر «وَاللّٰه» می آید بنگرید:

مائده (۱۰۸/۱۴) و توبه (۲۴/۳). (۸۰/۱۰) و صف (۵/۱).

۱۴۷ـ «نسراً» با «س» فقط در سورهٔ نوح (۲۳/۲) آمده و در موارد دیگر «نصر» با «ص» می آید ملاحظه شود سورهٔ اعراف (۱۲۹/۲۴) وغیره.

۱۴۸ـ بَسَرَ با «س» فقط در یک جا در سورهٔ مدثر (۲۲/۱) آمده است

ودر تمام موارد دیگر با «ص» می آید مانند: فَبَصَرُکَ سورهٔ (ق) (۲۲/۲) و«الیک البصر»سورهٔ ملک (۴/۱) وغیره.

۱۴۹ـ کَالُوْ با «ک» فقط در سورهٔ تطفیف آمده و در جاهای دیگر «ق» است.

۱۵۰ـ فَلَهُمْ اَجْرٌغَیْرُ مَمْنُوْنٍ با(ف) فقط در یک جا در سورهٔ تین می آید ودر موارد دیگر«لَهُمْ اَجْرٌ غیر مَمْنُوْن» (بدون ف) می آید ملاحظه شود سورهٔ فصلت (۸/۱) و انشقاق آیه ۲۵.

یادآوری:

۱ـ وَکَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْلَمُوْنَ خَبِیْراً (۲) اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِیْرٌ (۳) وَلٰکِنَّ اَکْثَرَهُمْ لاَ یُؤمِنُوْنَ در هیچ جای قرآن نیامده است.

متفرقات

۱ـ بعداز دو کلمه ی «فَلاَ یُخَفَّفُ»و (لاَیُخَفَّفُ) فقط یکجا در سورهٔ بقره (۸۶/۱۰) «وَلاَهُمْ یُنْصَرُوْن»می آید (باصاد) و د رجاهای دیگر «وَلاَهُمْ یُنْظَرُوْنَ» (باظأ) می آید ملاحظه شود: بقره (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) و نحل (۸۵/۱۲).

فائده: بخاطر بسپارید که در سورهٔ بقره (۸۶/۱۰) و نحل (۸۵/۱۲) فَلاَیُخَفَّفُ دربقره (۱۶۲/۱۹) و آل عمران (۸۸/۹) لاَیُخَفَّفُ بدون «ف» آمده است.

۲ـ آخَرِیْنَ (به فتح خا) و آخِرِیْنَ (به کسر خا) این دو مورد را اینگونه باید از یکدیگر تمیز داد که هرگاه قبل از آن، لام ساکن نباشد پس همه جا به فتح خا می آید و اگر قبل از آن لام ساکن باشد در سه مورد یعنی «اَزْلَفْنَا ثَمَّ

اَلْاٰخَرِيْنَ - وَاَغْرَقْنَا الْاٰخَرِيْنَ - وَدَمَّرْنَا الْاٰخَرِيْنَ به فتح خا ودر موارد دیگر بکسر «خا» می باشد. مثال مواردی که بدون لام و مفتوح اند: سورۀ نساء (۹۱/۱۲) و (۱۳۳/۱۹) مائده (۴۱/۶) انعام (۶/۱) و (۱۳۴/۱۶) انفال (۶۰/۸) انبیاء (۱۱/۲) مؤمنون (۳۱/۲) و (۴۲/۳) و جمعه (۳/۱) و مثال مواردی که با لام و مفتوح اند شعراء (۶۶/۴) و ۴۶ و (۱۷۲/۹) وصُفّت (۸۲/۳) و (۱۳۶/۴) وغیره و مثال مواردی که با لام و مکسورند: شعراء (۸۴/۵) و صفّت (۱۰۸/۳) و (۱۱۹/۴) وزخرف (۵۶/۴) واقعه (۱۴/۱) و (۴۰/۲) و مرسلات (۱۷/۱) وغیره.

۳- **وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ** سورۀ بقره (۶۸/۶) - **وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ** (بقره ۱۲۳/۱۵) در حروف تهجی اول حرف «ش» می آید و سپس «عین» در اینجا نیز بعد از **لَا يُقْبَلُ مِنْهَا** به همان ترتیب در آیه ۶۸ کلمه ای آمده که حرف اولش شین است (یعنی شفاعة) ودرموردودوم (آیه ۱۲۳) کلمه‌ای آمده که حرف اولش عین است (یعنی عدل).

۴- **بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَالْعٰكِفِيْنَ** - سورۀ بقره (۱۲۵/۱۵) - **بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَالْقَائِمِيْنَ** (حج ۲۶/۲) در ترتیب حروف تهجی عین، اول می آید و قاف بعد از آن در این جا نیز کلمه‌ای که با حرف عین آغاز می گردد در سورۀ نخست و کلمه ای که با حرف قاف شروع می شود در سورۀ بعدی قرار دارد.

۵- **بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُوْنَ** با «ی» «یعنی صیغه غائب» فقط در سورۀ بقره (۱۴۴/۱۷) و انعام (۱۳۲/۱۶) آمده است و در جاهای دیگر با «ت» (یعنی صیغه حاضر) می‌آید ملاحظه شود: بقره (۷۴/۹) و (۸۵/۱۰) و (۱۴۰/۱۶). (۱۴۹/۱۸) هود (۱۲۳/۱۰) و نمل (۹۳/۷) و آل عمران (۹۹/۱۰).

۶- **مُحْصِنِيْنَ** با «ص» فقط سوره نساء (۲۴/۴) و مائده (۵/۱) آمده و در

موارد دیگر با «س» می آید بنگرید: توبه (۱۲۰/۱۵) هود (۱۱۵/۱۰) و یوسف (۵۶/۷) و غیره.

۷- وَلَابِالْيَوْمِ الْاٰخِرِفقط در سورهٔ نساء (۳۸/۶) وتوبه (۲۹/۴) آمده ودر بقره (۸/۲) وَبِالْيَوْمِ الْاٰخِرمی باشد ودر موارد دیگر وَالْيَوْمِ الآخِرِ می آید بنگرید: بقره (۱۲۶/۱۵) و (۱۷۷/۲۲) و (۱۳۰/۳۰) و (۱۶۴/۳۶) وغیره.

۸- لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ -فقط در سورهٔ مائده (۱۲۰/۱۶) وشوری (۴۹/۵) آمده است و در تمام موارد دیگر«وَلِلّٰهِ»است بنگرید: مائده (۱۸/۳) و فتح (۱۴/۲) و غیره.

۹-كَذَبُوابدون تشدید در چهار مورد آمده که عبارتند از انعام (۲۴/۳) وتوبه ۹۰/۱۲) وزمر (۶۰/۶) وبقیه مواردكَذَّبُوااست با تشدید.

۱۰- قُلْ اَرَءَيْتَكُمْ- فقط در سورهٔ انعام (۴۰/۴) و (۴۷/۵) آمده و در زمر (۳۸/۴) قُلْ اَفَرَءَيْتُمْ آمده است و در موارد دیگر قُلْ اَرَءَيْتُمْ است بنگرید: انعام (۴۶/۵) یونس (۵۰/۵) و (۵۹/۶) وملک (۲۸/۲) وغیره.

۱۱- يَوْمِئِذٍ به کسر میم فقط در سورهٔ هود (۶۶/۶) ومعارج (۱۱/۱) آمده است و در موارد دیگر به فتح میم می آید نگاه کنید سوره رحمان (۳۹/۲) و مرسلٰت، تطفیف و تکاثر و غیره.

۱۲- بعد از فَاَصْبَحُوادوجا کلمه دِيَارِهِمْ می آید که عبارتند از: سورهٔ هود (۶۷/۶) و (۹۴/۸) ودر تمام موارد دیگر«دَارِهِمْ»می آید نگاه کنید: اعراف (۷۸/۱۰) و (۹۱/۱۱) وعنکبوت (۳۸/۴) وغیره.

۱۳- هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ فقط در سورهٔ هود (۲۲/۲) و نمل (۵/۱) آمده و در بقیه موارد هُمُ الْخٰسِرُوْنَ است بنگرید: بقره (۲۷/۳) و (۱۲۱/۱۴) اعراف (۱۷۸/۲۲) انفال (۳۷/۴) نحل (۱۰۹/۱۴) وغیره.

۱۴ـ مُشرِقِینَ با قاف فقط در سورۀ حجر (۷۳/۵) وشعراء (۶۰/۴) آمده و در هر جای دیگر با کاف می آید نگاه کنید :سورۀ توبه (۱/۱) (۷/۲) و غیره .

۱۵ـ مَتَاعَ الْحَیٰوةِ الدُّنیَا بفتح عین فقط در سورۀ یونس (۲۳/۳) وقصص (۶۱/۷) آمده است و در تمام موارد دیگر مَتَاعُ الْحَیٰوةِ الدُّنیَا می آید نگاه کنید : سورۀ توبه (۳۸/۶) وزخرف (۳۵/۳) وغیره .

۱۶ـ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً فقط در سورۀ مریم (۸۱/۵) ویس (۷۴/۵) آمده است و درموارد دیگر مِنْ دُوْنِهٖ اٰلِهَةً می باشد نگاه کنید سورۀ انبیاء (۲۴/۲) وفرقان (۳/۱) ویس (۲۳/۲) وغیره .

۱۷ـ«عَالِینَ» فقط در سورۀ مؤمنون (۴۶/۳) و «ص» (۷۵/۵) می‌آید و عَالِمِینَ به کسر لام در چهار محل آمده‌است :

یوسف (۴۴/۶) انبیاء (۵۱/۵) و (۸۱/۶) و روم (۲۲/۳) . بیشتر در موارد اخیر اشتباه می شود . و در جاهای دیگر عَالَمِینَ به فتح لام می آید . نگاه کنید : سورۀ انبیاء (۷۱/۵) . (۹۱/۶) و عنکبوت (۱۵/۲) وسورۀ «ص» (۸۷/۵) وغیره .

۱۸ـمِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِیَآءَ در دو مورد آمده است : سوره هود (۲۰/۲) و (۱۱۳/۱۰) و«مِنْ دُوْنِهٖ اَوْلِیَآءَ» در پنج مورد می آید رعد (۱۶/۲) زمر (۳/۱) شوری (۱/۶و۹) احقاف (۳۲/۴) و«مِنْ دُوْنِیْ اَوْلِیَآءَ»فقط در سورۀ کهف (۱۰۲/۱۲) می آید و در شوری (۴۶/۵) وَمَاکَانَ لَهُمْ مِنْ اَوْلِیَآءَآمده است و در سوره عنکبوت (۴۱/۴) و جاثیه (۱۱/۱) مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْلِیَآءَ آمده است .

۱۹ـ اَلَمْ تَرَوافقط در سورۀ لقمان (۲۰/۳) ونوح (۱۵/۱) آمده است ودر سی و یک مورد دیگر«اَلَمْ تَرَ»بدون و او آمده است، بنگرید : بقره (۲۴۳/۳۲ و ۲۵۸/۳۵) و غیره

۲۰- وَالْيَوْمَ الْآخِرَ بفتح «م »و«ر »فقط در سوره احزاب (۲۱/۳) وممتحنه (۶/۱) آمده است و در موارد دیگر به کسر «م» و «ر» است.

۲۱- بَعْضَ الَّذِي به ضم «ض» فقط در سوره نمل (۷۲/۶) ومؤمن (۲۸/۴) آمده و در تمام موارد دیگربه فتح «ض» می آید نگاه کنید: سورهٔ روم (۴۱/۵) وزخرف (۶۳/۶) و غیره.

۲۲- «نَعْمَةٍ»بفتح نون :فقط در سوره دخان (۲۸/۱) ومزمل (۱۱/۱) آمده و در جاهای دیگر به کسر نون آمده نگاه کنید :بقره (۴۰/۵) و (۴۷/۶) و (۱۲۲/۱۵) وغیره.

۲۳-كُلَّ نَفْسٍ به فتح لام فقط دو جا آمده یکی در سورهٔ ابراهیم (۱۵/۷) ودوم (الم سجده (۱۳/۲) ودر موارد دیگركُلُّ نَفْسٍ به ضم لام آمده و در سورهٔ یونس (۵۴/۶) لِكُلِّ نَفْسٍ ودر رعد (۳۳/۵) عَلَى كُلِّ نَفْسٍ آمده اما جای اشتباه نیست.

۲۴- وَيَزِيدَهُمْ بفتح «د» فقط دو جا آمده است اول سوره نور (۳۸/۵) و دوم فاطر (۳۰/۴) و د رموارد دیگر به ضم «د» می آید.

۲۵- در سه محل بعد از كَمْ أَهْلَكْنَا-«مِنْ قَبْلِهِمْ» می آید (۱) سوره انعام (۶/۱) (۲) الم السجده (۲۶/۳) (۳) ص (۳/۱) و در دو مورد دیگر یعنی اسراء (۱۷/۲) و قصص (۵۸/۶) بعد از آن نه کلمهٔ «قَبْلَهُمْ» هست و نه «مِنْ قَبْلِهِمْ» وسوای اینها همه جا «قَبْلَهُمْ» می آید نگاه کنید :سورهٔ مریم (۹۸/۶) وطه (۱۲۸/۷) و ق (۱۲/۱) و غیره.

۲۶- تَتَذَكَّرُونَ-با دو (ت) فقط در سه جا آمده (۱) انعام (۸۱/۹) (۲) الم سجده (۴/۱) (۳) مؤمن (۵۸/۶) و در هفده مورد (تَذَكَّرُونَ) بایک (ت) آمده نگاه کنید :انعام (۱۵۳/۱۹) اعراف (۳/۱) و یونس (۳/۱) وهود (۲۴/۲) وغیره.

۲۷ـ **مُبَيِّنٰتٍ** ـ با «م» فقط در سورهٔ نور (۳۴/۴) و (۴۶/۶) و سورهٔ طلاق (۱۱/۲) آمده است و در تمام موارد دیگر (بَيِّنٰتٍ) بدون میم می‌آید، نگاه کنید: بقره (۹۹/۱۲) وحج (۱۶/۲) و مجادله (۵/۱) و غیره.

۲۸ـ **وَالْأَرْضَ وَمَابَيْنَهُمَا فِىْ سِتَّةِ** فقط در سه جا آمده (۱) فرقان (۵۹/۵) (۲) الّم سجده (۴/۱) (۳) ق (۳۸/۳) و د رجاهای دیگر **وَالْأَرْضَ فِى سِتَّةِ** آمده بنگرید: اعراف (۵۴/۷) و یونس (۳/۱) هود (۷/۱) وحدید (۴/۱) و غیره.

الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين والصلوة والسلام على رسوله الامين وآله و اصحابه اجمعين. حمد و ستایش بی حد برای ذاتی که به لطف و کرمش به این حقیر توفیق بخشید تا باب اول مشابهات را به پایان برسانم. امید وارم به تکمیل باب دوم توفیق عنایت فرماید.

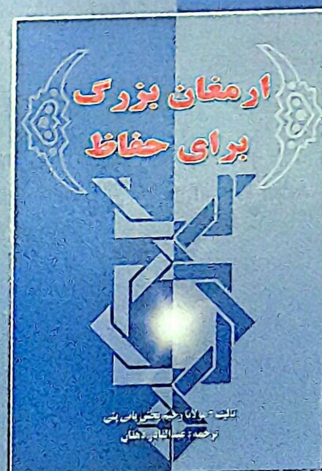
از خداوند می خواهم که این ارمغان را به درگاهش پذیرفته و برای طلاب و حافظان قرآن نافع و برای بنده و والدینم و تمام مشایخ واساتیدم بویژه استاد گرامی مولانا قاری فتح محمد، صدقه جاریه قرار دهد. **مؤلّف**

یاد آوری

علامتهایی که در این باب ذکر شده علائم انحصاری نیستند، بلکه بطور نمونه جهت آمادگی ذهنی بیان شده اند، هر شخصی می تواند در موارد مشتبه از طرف خود علاماتی معین کند، به همین دلیل برخی از مشابهات را به خوانندگان واگذارکرده‌ایم تا خود آنها در چنین مواردی ازاین گونه علائم استفاده کنند.

۵ربیع الاول سال ۱۳۷۴هـ ق
پایان ترجمه ۱۴۰۹/۵/۱۶هـ ق

فهرست مطالب





مرکز پخش :

زاهدان - خیابان خیام - جنب مسجد جامع مکی
انتشارات صدیقی - تلفن : ۲۴۴۵۸۴۰ - ۰۵۴۱

شابک : X - ۳۸ - ۵۷۲۸ - ۹۶۴